

فصل پنجم

شہر حلاق

## ۱- مقدمه

در طول تاریخ آنچه موجب برداشتن گام‌های بلند به سوی کامیابی و تغییرات مثبت در شیوه زیست انسان‌ها شده، برگرفته از اندیشه‌ای یا نبوغی تکامل یافته بوده است. از دهه ۱۹۸۰ توسعه، به مهم‌ترین بخش از دستور کار شهرها و مناطق کشورهای توسعه یافته دنیا تبدیل شد و به ویژه در بریتانیای کبیر، استرالیا، ایالات متحده آمریکا و کانادا، برنامه‌ریزی شهرمحور به عنوان مهم‌ترین خط مشی نوآوری محلی سال‌های اخیر پدیدار و واژه شهر خلاق به عنوان یک موتور محرک مدنی تبدیل شده است. امروزه شهرها محل تجمع و نقطه ثقل خلاقیت هستند، شهرها همواره پیشران حرکت، تمرکز و هدایت انرژی خلاق بشر بوده‌اند. دیدگاه شهر خلاق و نوآور از جمله مباحث جدید در حوزه مطالعات شهر پایدار می‌باشد. شهر خلاق نه تنها فضایی است که در آن خلاقیت رشد می‌کند، بلکه کل سازماندهی و مدیریت آن به طور خلاقانه طرح‌ریزی می‌شود. شهری که بتواند به شکلی خلاقانه استعداد همکاری جمعی را در راستای ارائه خدمات و پایداری بیشتر به کار گیرد موفق‌ترین شهر در این قرن خواهد بود.

شهرهای بزرگ قرن بیست و یکم با مسائل مشترکی از جمله مدیریت توسعه پایدار مواجه هستند. شهر خلاق نه تنها فضایی است که در آن خلاقیت رشد می‌کند، بلکه سازماندهی و مدیریت آن به طور خلاقانه طرح‌ریزی می‌شود. فلسفه شهر خلاق آن است که در هر شهری همیشه ظرفیتی بسیار بیشتر از آنچه ما در وهله اول تصور می‌کنیم، وجود دارد. وجود زیر ساخت فرهنگی و اقتصادی، رهبری خلاقانه و نقش افراد خلاق و نوآور از جمله امکانات زیرساختی جهت رونق و توسعه پایدار شهری می‌باشد. برابر معیار سازمان جهانی یونسکو شهر خلاق شهری است که از نوآوری‌ها و توانمندی‌های شهروندان در توسعه پایدار شهری استفاده کند و تفکر خلاق ساکنان، همگام و هماهنگ با مدیریت شهری حرکت کند. شهر خلاق به معنای شهروندان خلاق است. محیط‌های شهری باید از شرایطی برخوردار باشند که بتوانند این سرمایه‌ها را جذب کرده و حفظ نمایند. اگر بتوانیم شرایطی فراهم کنیم که مردم بتوانند بر اساس تخیلات بلند پروازانه خود، فکر، برنامه‌ریزی و عمل کنند و فرصت‌های توسعه پایدار به طور مداوم تکامل یابد، می‌توانیم به تحقق شهر خلاق در جهت توسعه پایدار شهرها نزدیک‌تر شویم.

شهرهای آینده و گذشته از دیدگاه ذیل نیز قابل بررسی هستند، شهر صنعتی به منزله شهری است که ریشه در انقلاب صنعتی دارد، توسعه (وسعت و جمعیت) آنها کمی است، اقتصاد وابسته به سرمایه مادی، کارخانجات و تولیدات صنعتی دارند، عدم سیالیت آنها باعث روند رو به نزول در قرن جدید شده است ولی شهرهای مدرن یا پساصنعتی ریشه در انقلاب اطلاعات و دانش دارند، شکل‌گیری آنها در مراکز دانش و

اقتصاد پویا است، روند توسعه آن با افزایش کیفیت زندگی و سرمایه انسانی مناسب دارد و بستر اقتصاد بر پایه نوآوری و خلاقیت می‌باشد (عزیزی، ۱۳۹۱: ۷).

پیوند میان اقتصاد و فرهنگ غنایی تاریخی دارد. در ذیل عرصه اقتصادی، درآمد و اشتغال و در ذیل عرصه فرهنگی، خلاقیت و هنر، تبیین‌کننده چنین پیوندی می‌باشد. شهر خلاق، شهری است که در آن تشکلهای مختلف و مستقل از دولت بیانگر و مدافع منافع و خواسته‌های اقشار گوناگون هستند و هر یک به نوعی نمایشی از توانمندی خود در ابعاد مختلف را سعی در ترویج و تبلیغ دارند. خلاقیت مجرای ورود شهروندان به عرصه یا حیطه زندگی و مدیریت شهری است یا می‌تواند باشد. پیش فرض خلاقیت این است که هر فرد حق دارد در فضای خلاق ایجاد شده توسط مدیریت شهری به نمایش تفکرات و منویات خود که ریشه در فرهنگ و تاریخ منطقه‌ای که در آن رشد کرده است بپردازد و در ضمن خلاقیت‌های بومی از ورود فرهنگ‌هایی که می‌خواهند به جامعه آسیب برسانند مصونیت ایجاد کرده تا شهر به عنوان یک موجود زنده از آنچه به آنها تعلق دارد به آرامی بهره برد.

ایده شهر خلاق برای مدیران، برنامه‌ریزان و شهرسازان باعث گسترش افق دید و تحلیل راهکار در مواجهه با مسایل شهر می‌شود و به تنوع علایق و عقاید در پهنه شهر احترام می‌گذارد. در نهایت شهر خلاق باعث ساری و جاری شدن تفکرات شهروندان برای بهتر شدن محیط زندگی و ارتقاء کیفیت زندگی آنان می‌شود (انصاری، ۱۳۹۰: ۵۷). در هر صورت شهر خلاق این ایده را در بردارد که در هر شهری پتانسیل‌های مختلفی وجود دارد و باید شرایطی را برای تفکر و عمل مردم ساکن شهر فراهم کرد تا بتوانند با قدرت خلاقانه خود در حل مسائل و معضلات شهری مشارکت و نیز در مدیریت شهری به صورت محله محوری مشارکت داشته باشند (ضرابی، ۱۳۹۳: ۴۲). حال برای روشن شدن این مفهوم به توضیح آن می‌پردازیم.

## ۲- دیدگاه و مفهوم شهر خلاق

با توسعه شهرنشینی، اکنون بیشینه جمعیت جهان شهرنشین هستند و این روند، اهمیت شهر و شکل و فرم آن را افزایش می‌دهد. یکی از مفاهیم توسعه پایدار شهری، مفهوم شهر خلاق یا طبقه خلاق است که بر اهمیت افراد خلاق و داشته‌های آنها در ابعاد مختلف در بافت شهری تأکید دارد. رویکرد شهر خلاق توجه جهانیان را به خود جلب کرده است. این مفهوم، به عنوان یک راهکار ساده و یک مدل عمومی برای شهرهایی که درگیر تغییرات پسا صنعتی در تولید و مصرف بوده و در یک رقابت جهانی برای جذب استعدادها هستند، مطرح می‌شود. ایده شهر خلاق یک نظریه کاملاً مثبت گراست و بر این موضوع تأکید دارد که هر نوع

رابطه‌ای بین شهروندان با سازمان‌ها و غیره بایستی کاملاً دو جانبه و مبتنی بر رفع مشکلات شهری و ارتقاء کیفیت زندگی است. نظریه شهر خلاق سعی دارد تا کیفیاتی را که تصویر ذهنی یک شهر را برای شهروندان زیباتر می‌نماید تقویت نمایند (غریب و حسین‌پور، ۱۳۹۱: ۱). فعالیت‌های فرهنگی که در گذشته فرض می‌شد اثرات جانبی بر شکوفایی اقتصادی دارند، امروزه جایگاه بسیار مهمی نزد سیاست‌گذاران و سرمایه‌گذاران کسب کرده‌اند. راهبرد شهر خلاق، به بازسازی کل شهرها نمی‌پردازد، بلکه به عنوان یک مدل غالب، درک مردم از شهرها، روش زندگی در آن‌ها و اندیشیدن به شهرها را تغییر می‌دهد. به عبارت دیگر، اگر بتوان شرایطی فراهم کرد که مردم بتوانند بر اساس تخیلات بلندپروازانه، فکر، برنامه‌ریزی و عمل کنند و فرصت‌های توسعه وجود داشته باشند، می‌توان به شهر خلاق نزدیک شد، این فرصت‌ها می‌توانند شامل اقداماتی برای تولید ثروت و افزایش بازده اقتصادی، ارتقاء زیبایی‌های بصری در محیط شهری یا حل مسائل اجتماعی باشند (کلهر و شهرداریها ۱۰۰، ۱۳۹۰: ۱۸).

مفهوم شهر خلاق برای مفهوم‌سازی و تصویرسازی از شهرها به طور فزاینده‌ای از واژگانی مانند "شهر خلاق" (لندری، ۱۹۹۹) و "طبقه خلاق" (فلوریدا، ۲۰۰۲) استفاده می‌کند که بر اهمیت فرهنگ و هنر در بافتار شهری تأکید دارند. تا میانه دهه ۱۹۹۰، ابتدا در بریتانیا و سپس در آمریکا، مفهوم شهر خلاق تبدیل به یک پارادایم هنجاری و مدلی جدید از جهت‌گیری سیاست‌ها و برنامه‌ریزی شهری شد. لندری نظریه‌پرداز شهری، و فلوریدا اقتصاددان، نماد اصلی "مفهوم شهر خلاق" بوده‌اند. مفهوم شهر خلاق عموماً توسط مقامات شهری، برنامه‌ریزان شهری، کسب و کارها و همه افراد علاقمند به توسعه شهر و با هدف بازتعریف شهر به عنوان یک مرکز "خلاق" و نیز به عنوان نوعی از برنامه‌ریزی راهبردی به کار می‌رود. موفقیت کلان مفهوم شهر خلاق، به واسطه تغییرات گسترده‌تر اقتصادی و اجتماعی است که در نتیجه آن، خلاقیت انسانی تبدیل به یک عامل کلیدی شده است. تغییر سبک زندگی و کار منجر به ایجاد طبقه‌ای جدید با عادات یا ویژگی‌های فرهنگی جدید شده که بر ارزش‌ها و هنجارهای جدید نظیر فردگرایی، تنوع، انگیزش درونی، خوداظهاری و آزادی تمرکز دارد. تعاریف خلاقیت شهری بستگی به ویژگی‌های عمومی جامعه و رشته خاصی دارد که به بررسی آن می‌پردازد. به طور کلی می‌توان خلاقیت شهری را این‌گونه تعریف کرد: ظهور یک امر نو و مناسب از یک فرد، گروه یا جامعه در شهرهاست. از نظر فلوریدا، اعضای طبقه خلاق، از خلاقیت برای خلق ارزش اقتصادی استفاده می‌کنند و بر این مبنا می‌توان آنها را به هسته فوق خلاق و افراد حرفه‌ای خلاق تقسیم کرد. همچنین یک طبقه خدماتی وجود دارد که در طبقه خلاق جای نمی‌گیرد، اما وجود آن برای برآورده نمودن تقاضای طبقه خلاق ضروری است. برخلاف فلوریدا، لندری روی اعضای این طبقه جدید تمرکز

نکرده، بلکه بیشتر به ویژگی‌های خلاقیت نظیر توانایی تفکر منعطف و برخورد باز با مسائل توجه داشته است. از نظر وی، خلاقیت از طریق ایده‌ها و تفکر شکل می‌گیرد و فرهنگ به عنوان یک منبع خلاق، اهمیت خاصی دارد. لندری عمدتاً خلاقیت را ویژگی یک هنرمند می‌داند، در حالی که فلوریدا مفهوم این واژه را گسترده‌تر در نظر می‌گیرد تا تقریباً همه افرادی که در دوره پساصنعتی به خلق ارزش می‌پردازند، دربرگیرد. مدل شهر خلاق، روی تأثیرات و نتایج خلاقیت متمرکز می‌شود. تأثیرگذاری طبقه خلاق بر مکان مفهوم طبقه خلاق و خلاقیت به عنوان یک سرمایه جدید که بسیار پیچیده‌تر و قوی‌تر از سرمایه مالی است، فضای شهری را تحت تأثیر قرار داده و تبدیل به پارادایم غالب در این فضا شده است. فلوریدا و لندری معتقدند خلاقیت برای پیشرفت و سرانجام ایجاد رفاه اقتصادی نیاز به یک چارچوب خاص دارد. اگرچه لندری خلاقیت را عمدتاً یک ویژگی فردی در نظر می‌گیرد، معتقد است که فضاهای شهری فیزیکی تأثیر ناچیزی بر خلاقیت دارند. اما از نظر فلوریدا مکان، واحد کلیدی سازمان‌دهی اجتماعی و اقتصادی دوره ماست؛ پس ایجاد یک محیط خلاق، تبدیل به کلید موفقیت اقتصادی شهرها می‌شود. شهروندان از شهر خود انتظار کیفیت زندگی مناسب دارند و این مسأله، اهمیت و نقش فرهنگ، تفریح و سرگرمی، مصرف و امکانات رفاهی شهری در ارتقاء مکان‌های مختلف را افزایش می‌دهد. شهرهای خلاق حس قوی به هویت‌شان، یگانگی‌شان و تشخیص نقاط قوت خود دارند. آنها حس روشنی از نقاط قوت و ویژگی‌های‌شان که آنها را، در تمام حالت جهان منحصر به فرد می‌سازد دارند و آنها قادرند این چنین حکایت‌ها را در روشن شدن و کامل کردن راه و روش شرح دهند. شهرهای خلاق ویژگی ضروری پرورش خلاقیت را اثبات کرده‌اند و آن فضای باز، شبکه‌ای و جامعه‌ای سیال که افراد جدید را می‌پذیرند و به آسانی با ایده‌های جدید و گروه‌های مهاجرتی جدید سازگار هستند، جشن‌های متنوع تشکیلات اقتصادی و مسئولیت ریسک‌پذیری دارند (Beaker, 2008:26).

بنابراین، شاهد تغییر شیوه تفکر نسبت به فضای شهری و نیروهای پیشران توسعه در یک شهر هستیم. شهر دیگر فقط یک فضای کاربردی با تفکیک زندگی و کار و اشکال استاندارد مصرف و استراحت نیست. شهر خلاق، دارای ویژگی‌های خاص است؛ یعنی شهری که در مقایسه با دیگر شهرها دارای نشانه‌ها، علائم و الگوهای خاصی می‌باشد؛ و به منظور جذب طبقه خلاق، از تمایز محلی و بومی خود استفاده کرده و آن را توسعه می‌دهد. از نظر لندری، شهرهای موفق، متنوع‌ترین و بامدارترین مکان‌ها هستند. در مدل شهر خلاق، حضور و تمرکز هنرمندان، دانشمندان و نخبگان در توسعه همه جانبه شهر نقش دارد، چرا که این گروه‌ها خلاقیت را تقویت کرده و برای طبقه جدید جذابیت ایجاد می‌کنند. این گروه‌ها همچنین جو خلاقیت را در شهر ایجاد می‌کنند. ایده شهر خلاق بر نقش هنر و فرهنگ در ایجاد جو مناسب در شهر یا ناحیه، ایجاد

تنوع و سبک خیابان‌ها و غیره تأکید می‌کند. به عبارت دیگر، خلاقیت شهروندان خلاق، فضای مناسب برای مردمی در کلاس جهانی را فراهم می‌کند. شهر خلاق پدیده‌ای است که امکان دارد در هر دوره‌ای وجود داشته باشد. اما هیچ محیط شهری برای همیشه به صورت خلاق عمل نمی‌کند (هاسپرز، ۱۳۹۰: ۳۰).

چارلز لندری، معتقد است که شهرها یک منبع حیاتی دارند و مردم‌شان در شهرهای مدرن، خلاقیت را باید جایگزینی برای منابع طبیعی بومی و دسترسی به بازار تلقی کرد. او خاطر نشان می‌کند که امروزه بسیاری از شهرهای جهان با دوره‌های گذاری روبه‌رو هستند که عمدتاً ناشی از نیروی جهانی شدن است. این گذارها از منطقه‌ای به منطقه دیگر متفاوت اند. در مناطقی مثل آسیا شهرها در حال رشد هستند، و حال آنکه در مناطق دیگری مثل اروپا، صنایع قدیمی ناپدید می‌شوند و ارزش افزوده در شهرها به ندرت از طریق ساخت و تولید صنعتی کارخانه‌ای و بیشتر از طریق سرمایه معنوی (مالکیت معنوی) به دست می‌آید که در محصولات، فرایندها و خدمات تجلی می‌یابد. شهرهای خلاق پتانسیل خلاقیت شان را در راه‌های مختلف به کار می‌گیرند. برخی شهرها به عنوان مکانی برای خلق تجربه‌های فرهنگی برای ساکنان و بازدیدکنندگان عمل می‌کنند. این کار از طریق نمایش و عرضه میراث فرهنگی یا از طریق فعالیت‌های فرهنگی در زمینه هنرهای نمایشی و تجسمی انجام می‌شود. برخی دیگر مثل بیروت، ادین برگ و سالزبرگ جشنواره‌هایی برپا می‌کنند که به هویت کل شهر شکل می‌بخشند. برخی نیز به دنبال صنایع رسانه‌ای و فرهنگی گسترده تر هستند تا شغل و درآمد ایجاد کنند و به عنوان مراکزی برای رشد منطقه‌ای و شهری عمل کنند. در موارد دیگر، با نگرش به ظرفیت‌های هنری و فرهنگی شهر، یک نقش ویژه و برتر برای عنصر فرهنگ در شهر قایل می‌شوند که ضمن تقویت هویت فرهنگی شهر و ارتقای انسجام اجتماعی آن، قابلیت‌های زیستی شهر به عنوان جایی برای زندگی نیز بهبود می‌یابد (Landry, 2006:45).

آنچه که امروز دولت‌ها، حکومت‌ها و سازمان‌های محلی با آن مواجه هستند روند رو به افزایش شهرنشینی و بروز مشکلات اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی از یک سو و ناکارآمد بودن روش‌های مدیریت و کنترل توسعه شهری متداول در رفع مشکلات و تنگناهای یادشده از سوی دیگر می‌باشد و آنان را با این واقعیت روبرو ساخته که نقش اقتصادی شهرها در تولید ناخالص کشورها غیرقابل انکار است؛ به طوریکه گذشته از تحمیل بار عمده‌ای از توسعه کشور، به عنوان مراکزی خلاق جهت ایجاد فرصت‌هایی مناسب برای رفاه و توسعه شهروندان خود نیز به شمار می‌روند. از این‌رو، بازنگری در شیوه‌های مدیریت، برنامه‌ریزی و توسعه شهری، امری اجتناب ناپذیر می‌نماید.

در عصر حاضر شهرها ناگزیر از رقابت هستند. رقابت آن‌ها در حوزه بازار جهانی و در تعامل با دیگر شهرها و سکونت‌گاه‌های شهری در اطراف جهان برای سرمایه‌گذاری است. چنانچه شهری نتواند برای سرمایه‌گذاران امنیت، زیرساخت‌ها و کارآیی لازم را فراهم کند، قادر به رقابت نیز نخواهد بود (فرزین‌پاک در شهرداریها ۱۰۰ ، ۱۳۸۹: ۶۸) شهرهایی که تمایلات جدید فرهنگی و هنری را کشت داده و نوآوری و صنایع خلاق را از طریق فعالیت‌های پرانرژی هنری ترویج داده و شهروندانی خلاق و عادی که شامل تنوع زیادی از محیط خلاق و محیط‌های نوآور که یک ظرفیت منطقه‌ای برای پیدا کردن راه‌حلی برای مشکلات محیطی جهانی مانند گرم شدن کره زمین دارند (sasaki, 2008: 80).

برای اینکه مدیریت یک شهر با موفقیت قرین باشد می‌بایست خط‌مشی‌های اتخاذ شده بر پایه توسعه پایدار اجتماعی و فرهنگی بوده و سازگار با بسط موزون جامعه شهری باشد. از این‌رو، ارتباطات اجتماعی و فرهنگی و بهبود کیفیت زندگی برای آحاد شهروندان می‌بایست ترغیب شود. امروزه طریقه سازماندهی و مدیریت یک شهر مدرن، نگرش دوسویه اجتماعی به آن است، بدین معنا که از یک سو مقتضیات محلی و از سوی دیگر اهداف مهم ملی مدنظر قرار گیرند. محیط‌های شهری باید از چنان جامعیتی برخوردار باشند که از یک طرف موجبات توسعه پایدار شهری از طریق طراحی کالبدی (شبکه دسترسی مناسب، توسعه حمل و نقل عمومی، تعیین مراکز اشتغال، کیفیت فضاهای باز عمومی) را فراهم آورد و از طرف دیگر زمینه‌های لازم برای مدیریت شهری پایدار توسط حکومت‌های محلی را فراهم سازد (حناچی ۱۳۸۳: ۵۲).

شهر خلاق دارای یک سری ویژگی‌های مهم است که در طراحی شهر به آن‌ها توجه می‌شود. طراحی این شهرها به صورت همه‌جانبه و چند بعدی است مانند: مشارکت مردم در طراحی و اداره شهر، مدیریت شهری به صورت محله‌محوری، در طراحی این شهرها پارامترهایی مثل نگرش همه‌جانبه به مسائل ایمنی و امنیت، مسائل اقتصادی، نگرش همه‌جانبه به مسائل زیرساخت‌های سیاسی، اجتماعی ارتباطی و اطلاعاتی و ... وجود دارد. افرادی که در این شهرها زندگی می‌کنند افرادی هستند که از لحاظ رفاهی و شغلی تامین خواهند بود. این شهرها بر مبنای حقیقت طراحی می‌شوند و سهولت دسترسی و بهره‌برداری از امکانات شهر برای تمام افراد شهر وجود دارد.

### ۳- شهرها و طبقه خلاق

به اعتقاد فلوریدا، طبقه خلاق به دو گروه از مردم تقسیم می‌شوند؛ گروه نخست متشکل از "هسته فوق العاده خلاق" است که مشتمل بر طیف وسیعی از جمله برنامه‌ریزان شهری، دانشمندان، مهندسان، اساتید دانشگاهی، شاعران، رمان‌نویسان، هنرمندان، بازیگران، هنرپیشه‌ها، طراحان و معماران، نویسندگان آثار

غیرداستانی، ویراستاران، شخصیت‌های فرهنگی، گروه مشاوران، محققان، تحلیل‌گران و دیگر نخبگان است و گروه دوم شامل حرفه‌ای‌های خلاق است که در طیف وسیعی از صنایع دانش محور نظیر بخش‌های طراحی شهری مدرن، خدمات مالی، خدمات بهداشتی و حقوقی و مدیریت تجاری کار می‌کنند. فلوریدا معتقد است گروه اول اشکال یا طرح‌های جدیدی را پدید می‌آورند که به سرعت قابل انتقال و بی‌نهایت مفید هستند، در حالی که گروه دوم در حل مسائل خلاق درگیر هستند. شهرها یک سیستم فوق‌العاده پیچیده هستند، حتی اگر ما نتوانیم به طور کامل آنرا درک کنیم، حتی اگر ما ملزم به سادگی باشیم ما باید آن پیچیدگی را نگه داریم، برای این که پیچیدگی به شهر غنا، سرزندگی و به طور قابل توجهی سلامت می‌دهد به همین روش تنوع زیست‌محیطی و پیچیدگی به سیستم‌های طبیعی سلامت می‌بخشد. همچنین تنوع و پیچیدگی به سیستم‌های اجتماعی و فرهنگی نیز سلامت می‌بخشد، تنوع و پیچیدگی مهمترین اصل در شهر خلاق است (Yenchen, 2012:2). اقتصاد شهری به سرعت در حال شکل‌گیری و پروبال دادن به تولید و مصرف تجربه‌های فرهنگی منحصربه‌فرد است و شهرهایی که بتوانند خلاقیت بشر را به گونه‌ای موثر به کار گیرند، در قلب این تکامل قرار دارند. شبکه شهرهای خلاق، دسترسی به منابع و تجربیات گوناگون را برای تمام شهرهای عضو، آسان می‌نماید تا توسعه صنایع خلاق محلی و همکاری جهانی برای توسعه پایدار شهری، تحقق یابد.

افراد خلاق موجب قدرتمند شدن شهر و رشد اقتصادی ناحیه‌ای می‌شوند و این افراد مکان‌هایی را برای زندگی ترجیح می‌دهند که دارای ویژگی‌هایی نظیر خلاقیت، نوآوری و تنوع باشد (رضاییان، ۱۳۹۰: ۴۶).

### مشارکت طبقه خلاق در ایجاد شهر خلاق و توسعه پایدار:

شهر خلاق نه تنها فضایی است که در آن خلاقیت رشد می‌کند، بلکه کل سازماندهی و مدیریت آن به طور خلاقانه طرح ریزی می‌شود. شهری که بتواند به شکلی خلاقانه استعداد همکاری جمعی را در راستای ارائه خدمات بیشتر به کار گیرد موفق‌ترین شهر در این قرن خواهد بود. شهر خلاق، شهرهایی هستند که قادرند راه حل‌های جدیدی برای مشکلات روزمره‌شان ارائه دهند. مفهوم دیگر شهر خلاق، بر تولیدات فرهنگی متمرکز است، یعنی تولید کالاها و خدمات فرهنگی با فعالیت‌هایی در ارتباط قرار می‌گیرند که مرکز خلاقیت به حساب می‌آید (موذنی خوراسگانی، ۱۳۹۱: ۱۶۱).

فلوریدا در کتاب دوشم خاطر نشان می‌کند که ما در حال ورود به "عصر خلاق" هستیم، عصری که خلاقیت در آن به فاکتور اصلی در اقتصاد تبدیل می‌شود. او برای رشد اقتصادی نظریه ۳ تی را ارائه می‌دهد؛ سه فاکتور اقتصادی که در زبان انگلیسی با حرف تی آغاز می‌شود: فناوری، استعداد و تحمل.



پس از تاثیر رشد فناوری بر شهرها، نظریه وی از آنجا که استعداد را پیشران رشد می‌انگارد با نظریه‌های جاری تفاوت دارد، وی سپس با افزودن تی سوم یعنی تحمل، یک گام جلوتر می‌رود که نماد جذب سرمایه انسانی است (فلوریدا، ۲۰۰۲: ۶۶)

به کار فلوریدا انتقادهایی شده است؛ از جمله این که دامنه مقوله‌های شغلی برای تعریف طبقه خلاق را بیش از حد گسترانده است. با این همه، مشخص شده است که او در پیش برد بحث عمومی مربوط به پیدایش اقتصاد خلاق سهیم بوده است، به موازات این بحث‌های جذاب و جدید، کارآفرین خلاق نیز پیدا شد تا معرف افراد موفق و مستعدی باشد که از تبدیل ایده‌ها به محصولات یا خدمات خلاق برای جامعه برخوردارند. "بروسیک" در کتابی با عنوان "آزادی و خلاقیت" بیان می‌کند ما می‌توانیم تفکر خلاق را از راه دخیل کردن تمام افراد ذی‌نفع در خلق یک اثر پرورش دهیم. هرچقدر به سمت استفاده از مشارکت بهره‌وران در تولید یک اثر کالبدی پیش رویم، به این معنا که به توسعه تفکر خلاقانه در یک جامعه بها داده‌ایم. نگاه بروسیک، نگاهی فرآیندمحور است به طوری که دست‌یابی به خلاقیت در طراحی و برنامه‌ریزی باید فرآیندی مشارکتی باشد (سعیدی، ۱۳۸۹: ۷).

از آنجایی که یکی از ارکان شکل‌گیری شهر خلاق، فضا است بنابراین وجود فضای عمومی مطلوب در شهر می‌تواند بستر مناسبی را برای شکل‌گیری شهر خلاق فراهم کند. فضای عمومی مناسب به شهروندان این فرصت را می‌دهد تا خلاقیت خود را در آن به نمایش بگذارند. فضاهای عمومی مکان‌های بسیار مناسبی برای مشارکت ساکنان شهر هستند؛ چنانچه مردم در اثر مشارکت با یکدیگر در فضاهای عمومی ایده‌ها و خلاقیت‌های خود را تولید کرده و در معرض نمایش قرار می‌دهند. مشارکت باعث می‌شود خلاقیت هر شهروند، از میان بحث و گفتگو و تبادل نظر در ارتباطات دو یا چند طرفه به دست آید.

### چرا شهرها باید به شهرهای خلاق تبدیل شوند؟

شهرها به‌طور فزاینده نقش پویایی در به خدمت گرفتن خلاقیت برای توسعه فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دارند. تئوری شهر خلاق بیان می‌کند که خلاقیت - فضای خلاق - مهمترین پیش شرط برای رشد نوآوری است و این تئوری شامل ایده‌های متنوع و چشم‌اندازهاست (Romein & Tripm, ۲۰۰۸: ۳). شهرها در خلال زنجیره صنعت خلاق تمام گستره هنر از کار خلاق تا تولید و پخش را در دل خود دارند. شهرها به عنوان بسترهای رشد برای گروه‌های خلاق، ظرفیت بالایی برای بهره‌برداری از خلاقیت دارند و شهرهای مربوط می‌توانند با این پتانسیل دنیا را تحت تاثیر قرار دهند. شهرها تاثیر نیرومندی بر همکاری

بخش‌های خصوصی و عمومی دارند که به شکوفایی کارآفرینی خلاق یاری و در اقتصاد نوین نقش مهمی ایفا می‌کند. شهرها برای تاثیرگذاری بر صنایع خلاق، به اندازه کافی کوچک و به عنوان دروازه‌ای برای بازارهای بین‌المللی به اندازه کافی بزرگ هستند (Landry, ۲۰۰۰:۳۵).

امروزه بیش از نیمی از جمعیت جهان، در شهرها زندگی می‌کنند. ایده شهرهای خلاق بر این باور استوار است که فرهنگ می‌تواند نقش مهمی در نوسازی شهری داشته باشد. سیاست‌گذاران در سیاست‌گذاری اقتصادی، هرچه بیشتر، نقش خلاقیت را مد نظر قرار می‌دهند. از آنجا که صنایع خلاق به ساختار اجتماعی شهر، تنوع فرهنگی و بهبود کیفیت زندگی کمک می‌کنند حس وحدت را تقویت و به شکل‌گیری هویتی مشترک یاری می‌رسانند. عناصر کلیدی که برای به وجود آمدن مناطق و شهرهای خلاق مطرح هستند شامل: شبکه‌ای از تولیدکنندگان منطقه‌ای، بازار نیروی کار محلی یعنی تکنسین‌ها و کارگران خلاق که در یک منطقه استمرار دارند و می‌توانند در شکل‌گیری توسعه خلاقیت در شهرها و منطقه اثرگذار باشند و رقابت و همکاری بین مجموعه‌ای از شهرها که بتوانند عنصر خلاقیت را به منطقه و شهر تزریق کنند. همچنین از جمله ویژگی‌های عمومی هر شهر خلاق این است که مکانی جذاب برای کارکردن و زندگی شهروندان خود (به خصوص نسل جوان)، مکانی جذاب برای گردشگران (صنعت توریسم)، توانمند در شکوفایی بخش‌های اقتصادی (از راه بکارگیری فناوری و مدیریت درست آن) و همچنین مرکز جذب بنگاه‌های مختلف اقتصادی نوظهور (خوشه‌ها و مراکز تحقیقاتی به ویژه در زمینه فناوری برتر) باشد (رفیعیان، ۱۳۹۱: ۱۴).

### **الگوی نمونه گرایش به مشارکت شهروندان خلاق در چشم‌انداز شهر**

بر اساس قوانین شهری، شهرداری سازمانی است حقوقی و محلی و مستقل که در محدوده شهر برای رفع نیازهای عمرانی، رفاهی و خدماتی مردم شهر که جنبه محلی دارد تشکیل می‌گردد و منظور آن این است که امور با مشارکت شهروندان حل‌وفصل گردد.

فرصت بالقوه ایجاد شهر خلاق تنها با تکیه بر استراتژی‌های منفعت‌طلبانه مدیران شهری در جهت توسعه تحقق نمی‌یابد، مگر آن که این ظرفیت‌ها و مزیت‌های رقابتی موجود شهر، به عنوان حق همه شهروندان در بهبود کیفیت زندگی آنها در نظر گرفته شود. در این راستا تقویت امکانات و پتانسیل‌ها با استفاده از سیاست‌گذاری‌های منطقه‌ای مدیران میسر خواهد بود. از آنجا که چشم‌انداز هر شهر نقش اساسی در تعیین سیاست‌ها و برنامه‌های آینده و جاری آن دارد، بدیهی است نتایج به دست آمده از برنامه‌های حاصل از چشم‌اندازهای مختلف، کاملاً متفاوت خواهد بود. از جمله سیاست‌های پیشنهادی حاصل از چشم‌انداز شهر

- خلاق که جذب سرمایه‌های انسانی خلاق را تسهیل می‌نمایند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد که تاثیر مثبت آن‌ها در شهرهای خلاق جهان به اثبات رسیده است.
- حمایت از هنرهای بومی و محلی.
  - ایجاد امکان استفاده مردم از فضاهای شهری در ساعات مختلف شبانه روز.
  - حفظ و نگهداری از مجموعه‌های هنری و فرهنگی.
  - حمایت از هنرمندان و افراد خلاق.
  - برگزاری جشنواره‌ها، کارگاه‌ها و نمایشگاه‌ها برای گروه‌های مختلف سنی.
  - ایجاد فضاهایی مانند کارگاه‌های هنری برای فراهم کردن زمینه بروز خلاقیت شهروندان.
  - مطالعه در زمینه اولویت نیازمندی‌های شهری و عمومی.
  - تشریک مساعی با فرهنگ در حفظ ابنیه و آثار باستانی.
  - تاسیس موسسه‌هایی خلاق به منظور نوسازی شهرها و خانه‌ها و محله‌های قدیمی شهر از طریق خریداری و فروش آنها به منظور تجدید ساختمان و یا اجرای مستقیم طرح‌های ساختمانی توسط شهرداری.
  - جلب مشارکت مردم به تامین قسمتی از هزینه‌های خدمات عمومی (مرادی، ۱۳۹۰: ۵۵).

#### ۴- بررسی تطبیقی تجربیات موفق شهرهای خلاق جهان: (تجربه یوکوهاما و .... بنویس)

شبکه شهر خلاق یونسکو در سال ۲۰۰۴ برای ارتقای توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در شهرهای جهان آغاز به کار کرده است که مبنای کار آن میراث فرهنگی و خلاقیت‌های هر شهر می‌باشد. شهرهای عضو، ضمن ارتقای چشم‌انداز خلاق محلی خود، به مأموریت یونسکو برای ایجاد تنوع فرهنگی کمک می‌کنند. اعضای شبکه شهرهای خلاق یونسکو به هفت رشته مختلف طراحی، ادبیات، موسیقی، فیلم، صنایع دستی و هنرهای قومی، هنرهای رسانه‌ای و هنر آشپزی دسته‌بندی شده‌اند. در این بخش تعدادی از شهرهای خلاق دنیا با توجه به ظرفیت‌ها و مزایای رقابتی آن‌ها معرفی شده است:

یوکوهاما: در سال ۲۰۰۹، پس از گذشت بیش از ۱۵۰ سال از زمانی که کشور برای اولین بار تجارت خارجی در بندر یوکوهاما را آغاز کرد، شهر یوکوهاما به مناسبت سالگرد این رویداد، طرح‌های توسعه شهری ابتکاری زیادی را با عنوان مبتکرانه ی "شهر خلاق یوکوهاما" به اجرا گذارد. در طول دهه گذشته این پروژه نوسازی شهری با هدایت چند نهاد دولت محلی از جمله "مرکز خلاقیت یوکوهاما"، یوکوهاما را به عنوان بندری

تاریخی (که تنها ۴۰ دقیقه از توکیو فاصله دارد و خانه‌ای است برای برخی از جالب‌ترین رویدادهای فرهنگی و انجمن‌های هنری جوان) معرفی کرده است.

در حالی که پیش از این جاذبه فرهنگی یوکوهاما با "موزه هنر یوکوهاما"، تئاترها و سالن‌های کنسرت متعدد آن شناخته می‌شد؛ اما به عنوان شهری با خلاقیت قابل توجه شناخته نشده بود و با حمایتی از سوی هنرمندان جوان همراه نبود. آن چه از ابتدا در دستورکار پروژه "شهر خلاق یوکوهاما" قرار داشت، عبارت بود از افزایش فعالیت‌های مرتبط با هنرهای محلی، جذب گردشگر و صنایع خلاق، بهره‌برداری از منابع موجود فرهنگی شهر، ترویج برهم کنش اجتماعی در فضاها و شهرهای و محافظت از میراث معماری شهر از طریق یافتن راه‌هایی برای باززنده‌سازی ساختمان‌های تاریخی. برای نیل به این هدف، مدیریت شهری یوکوهاما اقدام به راه‌اندازی مجموعه‌ای به نام بنک آرت نمود، بنک آرت به جای آن که به عنوان عنصری مجزا از زندگی روزمره باشد، بر یکپارچگی هنرهای معاصر با انجمن‌های محلی و عامه جامعه تمرکز کرد. برخی از اجراهای اولیه ایشان شامل "غذا و هنر معاصر" و "هنر و بلایای طبیعی"، علاقه این مجموعه به متحد کردن عناصری از همه جوانب زندگی با هنر معاصر را آشکار کرد. نقطه قوت دیگری که در طراحی این مجموعه وجود دارد، فضای قهوه خانه ساختمان در طبقه همکف است که برنامه موثری از رویدادها را به نمایش می‌گذارد و ضمن آن که نوشیدنی‌ها در آن بسیار ارزان عرضه می‌شوند، برای آنکه اطمینان حاصل شود، علاوه بر گردشگران به ساکنان بومی شهر نیز خدمت‌رسانی می‌کند؛ درهای این فضا تا پاسی از شب به روی همگان باز هستند. در کنار این پروژه مهم، از دیگر نقاط جالب در یوکوهاما می‌توان به سوییت‌های استیپ اسلوپ (شیب تند) با فضایی جدید و جالب که اقامتگاه‌هایی را به بسیاری از هنرمندان ارائه می‌کند و در مرکز شهر نقش میزبان برای کارگاه‌ها، نمایشگاه‌ها، سخنرانی‌ها و دیگر رویدادهای فرهنگی را ایفا می‌کند، اشاره کرد (مرادی، ۱۳۹۱: ۱۵). شعار غرورآمیز "هنر برای هنر" که در اواخر قرن نوزدهم ظهور یافت، تمایل رایج برای وجود تفکیک و تمایز در آداب و رسوم اجتماعی را بایگانی کرد. در گذشته از هنر انتظار نمی‌رفت نقشی اجتماعی ایفا کند یا ارزش دیگری غیر از ارزش ذاتی داشته باشد. از طرف دیگر همواره امید هنردوستان این بود که هنر و فرهنگ نقش فعال‌تری در جامعه بازی کنند و جامعه هنردوست‌تر باشد (کاماگورا سومیکو، ۲۰۰۸: ۴۴).

## ۵- شاخص‌های شهر خلاق

چارلز لندری<sup>۱</sup> یکی از معروف‌ترین پژوهشگرانی است که در باب شهرهای خلاق قلم زده است. وی ۱۰ شاخص را برای شهر خلاق مطرح می‌کند که به آنها اشاره می‌شود.

تشکیل چارچوب سیاسی و عمومی خلاقیت در شهرها توسط حکومت شهری.

ایجاد برتریها، تنوع و نشاط در جامعه شهری و بیان و نمایش آنها توسط حکومت شهری.

ایجاد فضای باز، اعتماد، تحمل و قابلیت دسترسی توسط حکومت شهری.

کارآفرینی، اکتشاف و نوآوری توسط حکومت شهری.

رهبری استراتژیک، چابکی و آینده‌نگری توسط حکومت شهری.

حفظ استعداد های خلاق و ترسیم چشم‌انداز آموزش خلاق همگانی توسط حکومت شهری.

تقویت ارتباطات، اتصالات رسانه‌ای و شبکه‌ها توسط حکومت شهری.

تعیین محل و جای‌گیری افراد خلاق در شهرها توسط حکومت شهری.

ایجاد بستر رفاه اجتماعی و قابلیت زندگی در شهرها توسط حکومت شهری.

تلاش برای حرفه‌ای بودن و اثربخشی عوامل تشویق به خلاقیت شهروندان توسط حکومت شهری.

پس از لندری، کسی که بحث مناطق و شهرهای خلاق را مطرح کرد، پروفیسور ریچارد فلوریدا<sup>۲</sup> است. ایشان هم شاخص‌های شهر خلاق را اینچنین مطرح می‌کند:

شاخص فناوری برتر- اندازه‌گیری از صنایع با فناوری برتر.

شاخص نوآوری- اندازه‌گیری از تعداد نوآوری های آشکار بر طبق سرانه.

شاخص استعداد- بر اساس تعدادی از افراد با درجه تحصیلی کارشناسی و بالا.

شاخص ذوب فرهنگی- اندازه‌گیری از افراد متولد خارج که در منطقه زندگی می‌کنند.

شاخص خلاقیت- اندازه‌گیری ترکیبی از نوآوری، تکنولوژی بالا و شاخص طبقه خلاق.

استدلال اصلی فلوریدا آن است که سطوحی از خلاقیت و نوآوری مرتبط است با فضای باز و مدارا با محیط زیست که افراد خلاق در آن کار می‌کنند، بنابراین گرد هم آمدن اقداماتی از تنوع جمعیتی با اقداماتی از نتایج خلاق از قبیل تعدادی از اختراعات ثبت شده یک رتبه‌بندی کلی از شهر خلاق را فراهم آورده است (برکنک، ۲۰۰۷: ۲۱).

<sup>۱</sup> Charles Landry

<sup>۲</sup> Richard Florida: PhD in Urban Planning

## ۶- ابعاد شهر خلاق

- شهر خلاق و توسعه اقتصادی

از سالیان بسیار دور، با افزایش سطح دانش و فهم بشر، کیفیت و وضعیت زندگی او همواره در حال بهبود و ارتقا بوده است. بعد از انقلاب فرهنگی اجتماعی اروپا (رنسانس) و به دنبال آن انقلاب صنعتی، موج پیشرفت‌های شتابان کشورهای غربی آغاز گردید. تنها کشور آسیایی که تا حدی با جریان رشد قرن‌های نوزده و اوایل قرن بیستم میلادی غرب همراه گردید کشور ژاپن بود. بعد از رنسانس که انقلابی فکری در اروپا رخ داد، پتانسیل‌های فراوان این ملل، شکوفا و متجلی گردید اما متأسفانه در همین دوران، کشورهای شرقی روند روبه‌رشدی را تجربه نکرده و بعضاً سیری نزولی طی نمودند. البته بعضاً حرکت‌های مقطعی و موردی در این کشورها صورت گرفت اما از آنجایی که با کلیت جامعه و فرهنگ عمومی تناسب کافی را نداشت و مورد حمایت واقع نگردید، به سرعت مضمحل گردید. تلاش‌های خلاقانه محمدتقی خان امیرکبیر در ایران، نمونه‌ای از این دست است.

مباحث توسعه اقتصادی از قرن هفدهم و هجدهم میلادی در کشورهای اروپایی مطرح گردید. فشار صنعتی‌شدن و رشد فناوری در این کشورها توأم با تصاحب بازار کشورهای ضعیف مستعمراتی باعث شد تا در زمانی کوتاه، شکاف بین دو قطب پیشرفته و عقب‌مانده عمیق شده و دو طیف از کشورها در جهان شکل گیرد: کشورهای پیشرفته یا توسعه‌یافته و کشورهای عقب‌مانده یا توسعه‌نیافته، با خاموش شدن آتش جنگ جهانی دوم و شکل‌گیری نظامی عمومی در جهان در کنار به استقلال رسیدن بسیاری از کشورهای مستعمره‌ای، این شکاف به‌خوبی نمایان شد و ملل مختلف جهان را با این سوال اساسی مواجه ساخت که چرا بعضی از مردم جهان در فقر و گرسنگی مطلق به سر می‌برند و بعضی در رفاه کامل؟ از همین دوران اندیشه‌ها و نظریه‌های توسعه در جهان شکل گرفت. پس در واقع نظریات توسعه بعد از نظریات توسعه اقتصادی متولد گردید.

در این دوران، بسیاری از مردم و اندیشمندان، چه در کشورهای پیشرفته و چه در کشورهای جهان سوم، تقصیر را به گردن کشورهای قدرتمند و استعمارگر انداختند. بعضی نیز مدرن‌نشدن (حاکم نشدن

تفکر مدرنیته بر تمامی ارکان زندگی جوامع سنتی) را علت اصلی می‌دانستند و مدرن شدن به سبک غرب را تنها راهکار می‌دانستند. بعضی دیگر نیز وجود حکومت‌های فاسد و دیکتاتوری در کشورهای توسعه‌نیافته و ضعف‌های فرهنگی و اجتماعی این ملل را مسبب اصلی معرفی می‌نمودند.

### ملاحظات اقتصادی در شهر خلاق

در راستای افزایش رفاه و خلاقیت شهروندی در بستر توسعه پایدار ساختار شهری، بایستی تلاش بر آن باشد تا ضمن توجه به تمام طبقات درآمدی اجتماع و خاصه طبقات آسیب‌پذیر اجتماعی و یا اقشار خاص اجتماعی همچون معلولان، سالمندان و کودکان، امکان بهره‌مندی عام از مسکن و خدمات شهری با نرخ بهینه فراهم شود. تمام نهادهای اجتماعی در ساختار شهری بایستی به حمایت اقتصادی از طبقات اجتماعی بپردازند که در این بین همکاری نهادهای شهری و شهرداری ضروری بنظر می‌رسد، بدون رفع مشکلات اقتصادی ساکنان شهری، نمی‌توان توسعه‌ای پایدار را در سیستم شهری امکان داد که می‌بایست اقدامی اساسی در جهت حل تورم اقتصادی، نابرابری بهره‌مندی از درآمد ماهیانه و یا فقر، برداشته شود. در توسعه پایدار شهری نیز باید تا حد امکان از میزان هزینه خدمات و تسهیلات شهری کاست و ضمن کمک‌های مخصوص به طبقات پایین رتبه اقتصادی از تضاد و نابرابری اجتماعی کاهید تا امکان بهره‌مندی مطلوب همگان از خدمات شهری فراهم گردد، این مهم در روند توسعه پایدار دشوارترین بخش را تشکیل می‌دهد که بایستی در راس اهداف سیاستهای دولتی در راستای توسعه پایدار مبتنی بر توسعه انسانی قرار گیرد، زیرا که بدون تامین حداقل مایحتاج زندگی نمی‌توان انتظار داشت تا رفاه اجتماعی همگانی در ساختار شهری حادث گردد. بر این اساس اهم ملاحظات اقتصادی در شهر خلاق را می‌توان چنین بیان کرد:

- ۱- تامین رشد و توسعه اقتصادی شهری
- ۲- کاهش هزینه حمل و نقل عمومی شهری
- ۳- تغییر الگوی تولید، توزیع و مصرف مصالح و مواد
- ۴- تامین و بستر سازی رشد اقتصادی شهری
- ۵- بهبود سطح خدمات اقتصادی شهری
- ۶- کاهش هزینه سرانه خدمات شهری برای افزایش رفاه اجتماعی
- ۷- کاهش هزینه تورم درون شهر

## شهر خلاق و توسعه اجتماعی

امروزه قدرت‌های اجتماعی و طبقاتی بزرگترین بخش زندگی ما را تحت سیطره خود دارند، مهمترین سؤالی که پیش می‌آید این است که با استفاده از تئوری‌های اجتماعی معاصر، در چه سطحی می‌توان توسعه پایدار را تجزیه و تحلیل و مبانی شهر خلاق را اجرا کرد. تئوری‌ها و مفاهیم توسعه اجتماعی در قرن گذشته نمی‌توانست نیازهای انسانی را تأمین کند و آن را تنها در زنجیره‌ای از مطالعات حمایت محیطی خلاصه می‌نمود. این مسائل موجب شد تا رویکردهای جدیدی ارائه شود و ماهیت تئوری اجتماعی و نقش و وظایف بالقوه آن برای حل مسائل مرتبط با وجود انسان انتقادی و بقای شهروندی تعریف شود.

در ابتدای دهه ۱۹۹۰ بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، گروه زیادی از کشورها با ویژگی خاص توسعه‌ای خود در دو گروه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه تقسیم شدند. اگر چه این کشورها با اقتصاد به اصطلاح در حال تغییر، محدود به حوزه اقیانوس آرام می‌شدند ولی توجه کمتری به تجزیه و تحلیل ویژگی‌های خاص توسعه آنها در حاشیه رکود وضعیت اقتصادی می‌شد و نه تنها به تجزیه و تحلیل وضعیت آنها در بخشهای مختلف تولید اقدام نمی‌شد بلکه وضعیت مصرف منابع طبیعی و آلودگی محیطی نیز مورد غفلت واقع شده بود. تغییر در جهت اقتصاد بازار که مبتنی بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی بود از طریق ساخت‌دهی مجدد اقتصاد در اجتماع کشورهای کمونیستی و تعدیل فعالیت‌های اجتماعی آنها دنبال می‌شد. هر چند مفهوم توسعه پایدار به قدر کافی روشن است لیکن تفسیر و تعریف واقعی توسعه پایدار مباحث زیادی را در خصوص مدل‌های پیشنهادی جدید توسعه پایدار اجتماعی و مدیریت آن، به وجود آورده است. و اگر مفاهیم توسعه پایدار بوسیله اصول جدید و پیش‌فرض‌های روش شناختی جدید تقویت شود، درک ماهیت پایداری و همراهی آن با تعریف جدید توسعه پایدار و معنی جدید مدیریت آن آسان‌تر خواهد بود. روش کار مطالعه توسعه اجتماعی به شرح زیر است:

- تجزیه و تحلیل اصول مدیریت پایدار
  - تجزیه و تحلیل شاخص‌های مورد نیاز در مدیریت توسعه پایدار
  - بررسی شاخص‌های محیطی و کاربرد آن در تصمیم‌های پایداری توسعه اجتماعی
  - بحث مفاهیم آثار اکولوژیکی و قلمرو محیطی از نقطه نظر ارزیابی پایداری بالقوه آن
  - تنظیم اصول تئوریک برای محاسبه قلمرو محیطی منابع خاص
- در تجزیه و تحلیل پیامدهای توسعه اجتماعی سه بعد قابل تمیز است:



۱- رویکرد مدیریت توسعه پایدار اجتماعی اقتصادی؛ که بر مبنای تئوری پایداری سرمایه سولو و مفهوم حداکثر سازی درآمد هیکس- لیندال استوار است، و از طریق پس انداز منابع ارزشمند ضروری برای نسل‌های آینده حاصل می‌شود (یعنی اجرای اصل توزیع منصفانه و برابر میان نسل‌ها). این رویکرد در ادبیات توسعه پایدار خیلی مشهود است، از جمله آن می‌توان به تجزیه و تحلیل استفاده از منابع طبیعی تجدیدپذیر اشاره کرد؛ در واقع مبتنی بر تئوری مطلوبیت و اثربخشی اقتصادی است که در استفاده مطلوب از منابع کمیاب کاربرد دارد (Munasinghe, ۱۹۹۳ : ۷۶). ولی اینجا ما با موضوعات متعددی مواجه هستیم از جمله آن مسائل مرتبط با حفظ سرمایه، شناسایی انواع و قابلیت تغییر آن، هم‌ینطور ارزیابی انواع ارزش‌ها نظیر منابع زیست محیطی است.

۲- رویکرد اکولوژیکی به مدیریت توسعه پایدار: این رویکرد به ثبات سیستم‌های زیستی و فیزیکی توجه دارد که در کارهای علمی هولینگس از سال (۱۹۷۳) مورد توجه واقع شده است. مطابق این رویکرد وظیفه اولیه توسعه اجتماعی تعیین محدودیت‌های سیستم‌های طبیعی فعالیت‌های اجتماعی متعدد است. در این مورد حیات زیرگروه‌ها در نگاه اجتماعی ثبات جهانی کل اکوسیستم ضروری است.

امروزه جامعه‌شناسان رویکرد تنظیم اصول مدیریت توسعه پایدار اجتماعی را در موارد زیر لحاظ می‌کنند: الف) میان همه سطوح محیطی؛ عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و روش‌های بهره‌برداری انسانی از منابع محیطی و طبیعی مورد توجه است و به مدیریت منابع تجدیدپذیر و پایدار تأکید می‌کند.

ب) تضمین حفاظت شهروندان از منابع و قابلیت تجدید آن برای مدتی طولانی؛ این امر توجه بیشتری را نسبت به اثرات زیست‌محیطی منفی جلب می‌کند؛ زیرا این اثرات به کندی و در طی مدت زمان طولانی جمع می‌شود و پیامد ویرانگری از خود به جا می‌گذارد. نمونه چنین آسیب‌های اجتناب‌ناپذیر عبارت است از: «اثر گلخانه‌ای» که لایه ازن را کاهش می‌دهد، فقدان تنوع زیست‌محیطی از لحاظ گونه‌های حیوانی، فرسایش خاک و آلودگی آب‌های زیرزمینی. شناخت این مسائل برای درک مسائل محیطی جهانی که راه حل جهانی می‌طلبد، حیاتی است.

ج) فرصت حفاظت و بکارگیری روش‌های جایگزین برای استفاده عقلایی از محیط و منابع نسل‌های آینده؛ به نظر می‌رسد که این بحث توجه کمتری به خود جلب کرده ولی بحث ارزشمندی در جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی شهری می‌باشد.

د) محدودیت‌های عوامل پایداری به لحاظ توانایی اجتماعی در مبادله با سیستم‌های طبیعی و ساختار اجتماعی (رویکرد مدیریت توسعه پایدار اجتماعی)؛ مفهوم پایداری اجتماعی- فرهنگی مردم‌گرا، مواجهه

میان توسعه و هنجارهای اجتماعی مسلط و تلاش برای حفظ ثبات سیستم‌های اجتماعی را منعکس می‌کند. این رویکرد برابری میان نسل‌های مختلف و تضمین بقای تنوع فرهنگی، همچنین تغییر احتمال تعارض ویران‌گر را مورد توجه قرار می‌دهد. برای این منظور «توسعه پایدار عدالت اجتماعی» دنبال می‌شود و جزء گزینه‌های آرمانی دکترین شهر خلاق به شمار می‌رود.

پس، برای تحقق توسعه اجتماعی با ثبات، باید زمینه را برای مشارکت گسترده مردم در تصمیم‌گیری‌های شهری را فراهم کرد.

برای همه ابعاد مدیریت اجتماع در شهرها بایستی اولویت‌هایی تعریف شود: برای بعد محیطی، حفاظت از محیط؛ برای بعد اجتماعی، تقویت همبستگی و عدالت اجتماعی؛ برای بعد اقتصادشهری، تأمین نیازهای مادی؛ برای بعد فرهنگی بکارگیری سیاست‌های فرهنگی، و برای بعد سیاسی مشارکت و تصمیم‌گیری.

برای مثال از ارتباط اجتماع و شهرها موارد زیر را می‌توان استنباط کرد:

- روابط میان ابعاد اجتماعی و محیطی - تغییرپذیری و سیاست پایدار

- روابط میان ابعاد اجتماعی و اقتصادی - توزیع مناسب ارزش‌های مادی

برای شناخت ابعاد شهر خلاق، نیاز شهرها به شناخت شاخص‌های مدیریت توسعه پایدار اجتماعی نیز مورد نیاز است که به قرار زیر تعریف می‌شود:

مدیریت پایدار اجتماع نیازمند تعریف اهداف پایداری است که باید دائماً بررسی و ارزیابی شود. بدیهی است هیچ تصمیم هوشمندانه‌ای در مورد اجرای توسعه پایدار اجتماعی بدون استفاده از مجموعه‌ای از شاخص‌های پایداری معتبر ایجاد نمی‌شود. شاخص‌ها نقش مهمی در هر استراتژی گزارش‌دهی و نظارت بر اجرا بازی می‌کنند. شاخص‌های توسعه پایدار درجه اجرای اهداف را به خوبی اندازه‌گیری می‌کنند. ولی تعریف توسعه پایدار مشخص نمی‌کند که چطور بایستی پایداری در عمل اندازه‌گیری شود.

توسعه شاخص، فرآیندی دو طرفه است. مجموعه معینی از شاخص‌ها نه تنها برای اهداف خط مشی نیاز می‌باشد بلکه بایستی شاخص‌ها به تعیین و تنظیم خود خط مشی کمک بکند. بنابراین توسعه شاخص‌ها فرآیندی کاملاً فنی یا عملی نیست؛ بلکه باید فرآیندهای ارتباطات و خط مشی را نیز تبیین کند. شاخص‌ها باید دقیق (مفید و عملی) بوده و در کمی کردن اهداف مناسب عمل کند.

همچنین چهار سطح اقتصادی را در خط مشی توسعه پایدار اجتماعی می‌توان مشخص کرد:

- سطح خرد (مالکان و مصرف‌کنندگان)

- سطح متوسط (نهاده‌ها و شبکه‌ها)

- سطح کلان (شرایط محاسباتی، مالی و توزیعی) و

- سطح فراتر (اهداف اجتماعی) (Hinter Berger et al, ۱۹۹۷)

هدایت مجدد جامعه در جهت پایداری کاری است که نمی‌تواند با هر زیرگروه اجتماعی مشخص شود بلکه به جامعه بزرگ‌تری که قابل مدیریت باشد، نیاز دارد. مشارکت همه گروه‌های اصلی جامعه یکی از نوآوری‌های خلاقانه اصلی است که گفتمان پایداری با خود دارد و موفقیت اجرای دستور کار خلاقانه تنها زمانی که آنها با هم کار می‌کنند امکان‌پذیر است.

مدیران شهری در تعامل با شهروندان بایستی موارد زیر را مد نظر داشته باشند:

الف) در شهرها تجارت و محیط باید به همدیگر کمک کنند، ولی همدیگر را محدود یا ویران نکنند.

ب) سودآوری با مشارکت در توسعه پایدار اجتماعی امکان‌پذیر است.

اصول مدیریت در مدیریت توسعه پایدار اجتماعی به شرح ذیل عملی است:

الف) نگرش بین‌بخشی

ب) مشارکت اجتماعی

ج) آینده‌نگری

د) استفاده اثربخش از منابع طبیعی

ه) ارزیابی اثر فعالیت‌های محلی، منطقه‌ای و جهانی

و) برنامه‌ریزی

ز) تفکر کل‌گرا

با توجه به سازوکار تصمیم‌گیری توسعه پایدار باید توجه قابل ملاحظه‌ای به آماده کردن استراتژی‌های جوامع پایدار داشت. اجرای موفق استراتژی جوامع پایدار در جامعه شهری موجب می‌شود تا: ۱- جوامع پایدار دیگری برای برقراری جامعه پایدار شروع به توسعه نمایند، ۲- و به تبع آن این جوامع پایدار جامعه منطقه‌ای پایدار را ایجاد خواهند کرد ۳- و در نتیجه جوامع منطقه‌ای با جامعه جهانی پایدار متحد خواهد شد.

در واقع توسعه گام به گام از سطح محلی (پایداری) به جهانی (پایداری) عملی خواهد شد.

در نتیجه آن تئوری‌های اجتماعی و مدیریتی جامعه‌گرا و زیست محیط‌گرا، سیستم‌های اقتصادی بهداشت، امنیت (پایدار) انسانی و اکولوژیکی امروز را تشویق و تغییر خواهد داد.

## ملاحظات اجتماعی در شهر خلاق

رفاه اجتماعی شهری را می‌توان در شاخص‌های رفاهی در ساختار شهری بیان کرد که امکان زندگی برابر و متساوی در زمینه آرایه خدمات، تسهیلات و امکانات شهری را فراهم می‌کند و زندگی بالنده‌ای را برای تمام طبقات اجتماعی، خاصه سالمندان، کودکان و اقشار آسیب‌پذیر اجتماعی امکان می‌دهد، چنانچه به محرومان، نیازمندان و بیماران خاص و معلولان، توجه ویژه‌ای معطوف می‌دارد، در باب این غایت باید به مفاهیم فضا و نابرابری اجتماعی (افروغ، ۱۳۷۷: ۵۵)، عدالت اجتماعی و ساختار شهری و شهرنشینی (هاروی، ۱۳۷۶: ۲۲) شهرهای میانی و نقش آنها در چارچوب توسعه ملی (امکچی، ۱۳۸۳: ۷۶)، رویکرد انسانی در توسعه پایدار شهری، تعامل اجتماعی و فضای فرهنگی در ساختار شهری، رضایت اجتماعی از شهر محل زندگی (محسنی، ۱۳۸۲: ۹۸)، تاکید بر نقش سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار شهری (ناطق پور، ۱۳۸۳: ۳۲) و بازنمایی هویت فرهنگی و احساس تعلق اجتماعی (رسول‌زاده، ۱۳۸۳: ۹۸) اشاره کرد ولی از میان شاخص‌های عمده رفاه اجتماعی می‌توان به حوزه مسکن و فراغت شهری تاکید ورزید، هرچند که مواردی چون تغذیه، بهداشت و درمان، اشتغال و درآمد و تعلیم و تربیت را نمی‌توان از ساخت شهری جدا نمود. بر این اساس هر آنچه می‌تواند در بهبود کیفی یا کمی زندگی شهری در ابعاد مادی یا معنوی مدد رساند، می‌بایستی در توسعه پایدار اجتماع شهری مورد توجه قرار گیرد.

## اجتماع، خلاقیت و شهرها:

بطور کلی واژه خلاقیت شهری در هر جامعه و کشوری که مطرح شده، از اولویت‌ها و مباحث برتر آن کشورها قرار گرفته و پس از گذر مدت زمانی در راستای نزدیک شدن تعریف واحد، تبدیل به شهر خلاق گردیده است. به عنوان مثال در انگلستان به لحاظ اهمیت اقتصاد و پیشرو بودن این کشور در بخش اقتصاد چه کلاسیک و چه مدرن، شهرنشینی خلاق به عنوان یک جامعه اقتصادی - سیاسی مورد توجه قرار گرفته است، در حالیکه در آلمان به واسطه پیشرو بودن جنبش‌های فلسفی در این کشور، شهرنشینی از نوعی روش زندگی به ابزاری برای رسیدن به کمال زندگی مطرح شده است. همچنین در فرانسه به سبب اولویت داشتن آزادی و توسعه سیاسی، برداشت‌های سیاسی که از زندگی شهری شده باعث گردیده تا به شهروندان با رویکرد توسعه و خلاقیت سیاسی نگریده شود. ارائه یک تعریف مطلق و جامع پیرامون شهر خلاق به سبب پویایی و تحول نهفته در ماهیت این واژه، کاری بس دشوار می‌باشد. خلاقیت آن بخش از زندگی شهری است که سازمان یافته، داوطلبانه، خودجوش، خودکفا، مستقل از دولت و مبتنی بر نظامی حقوقی و یا قواعدی است که مقبول شرکت‌کنندگان باشد خلاقیت با زندگی شهری به طور عام تفاوت دارد، از این

نظر که طبقه‌ای از شهروندان را دربرمی‌گیرد که مشترکاً در یک ساحت عمومی برای حفظ منافع، تبیین خواسته‌ها، تبادل اطلاعات و دستیابی به اهداف خود با سیستم شهری ارتباط برقرار و صاحب منصبان مدیریت شهری را وادار به پاسخگویی می‌کنند. خلاقیت پدیده‌ای است میان بخش خصوصی و مدیریت شهری شامل نوآوری در انواع سازمان‌های رسمی و غیررسمی، اقتصادی، فرهنگی، آموزشی، اطلاعاتی، حرفه‌ای، سیاسی، اجتماعی. با توجه و مبنا قرار دادن تعریف فوق، می‌توان استنباط کرد، خلاقیت حوزه‌ای است عمومی میان شهر و شهروند که در آن گفتمان‌ها و روندها، فعالیت‌ها و جنبش‌ها و نهادهای اجتماعی سازمان یافته بصورت خودمختار و داوطلبانه در قبال قاعده تعیین شده در جریان است ضمن آنکه در راستای عملکرد خود هم در جهت بازسازی زندگی شهری و تقویت آن و هم در مقابل شهرداری‌ها به جهت اجحاف احتمالی یا دریافت و نمایش حقوق شهروندان قرار می‌گیرد.

### شهر خلاق و توسعه سیاسی

پیشینه مفهومی توسعه سیاسی با برنامه‌ریزی و مدیریت شهری ارتباط زیادی دارد. اکنون اکثر عقایدی که مدیریت شهری مناسب را متکی به شهرنشینی می‌دانند بر این پیش‌فرض قرار دارد که اینگونه جوامع تفکیک‌شده، کثرت‌گرا و پیچیده‌اند. لیبرال‌دموکرات‌ها ترکیبی از ابعاد گوناگون و مکمل فرهیختگی شهروندان، جریان آزاد اطلاعات، حمایت از حقوق فردی، نهادهای نمایندگی، عقاید و اختیارات عمومی، نهادهای موازنه‌کننده و ناظر بر قدرت، مجالس چندگانه تصمیم‌گیری و عمل جمعی را از مصادیق حکمرانی شهری مناسب می‌دانند. در واقع مدیریت شهری مناسب به توصیف یک زیست بوم تقریباً پیچیده از ویژگی‌های یاد شده می‌پردازد. مدیریت شهری مناسب از طریق خلق نوآوری شهروندان شناخته می‌شود. اکنون لیبرال‌دموکرات‌ها معتقدند که واژه مناسب در مدیریت شهری مناسب یعنی خودگردانی جمعی که مقیاس، حوزه و ماهیت آن مطابق موضوع تفکیک می‌شود. به عقیده آنان امکان دارد بتوان با ایجاد یک تئوری هنجاری توانمند، خودگردانی را به عنوان مدیریت شهری مناسب تبیین نمود. خلاقیت شهری همچنین می‌تواند بر مدیریت شهری مناسب تاثیر گذارد به نحوی که ایجاد، توسعه، ارتقاء و حمایت از ظرفیت‌های افراد برای خلاقیت که به آن آثار توسعه‌ای بر افراد گویند شکوفا شود.

آثار توسعه‌ای مدیریت شهری مناسب عبارتند از:

۱. **اثربخشی یا نمایندگی سیاسی:** اثربخشی در اینجا احساسی است که فرد فکر می‌کند

می‌تواند بر روی اعمال جمعی تاثیر بگذارد. در واقع اثربخشی همان اعتماد به نفس لازم

برای انجام نوآوری است. یعنی هنگامی که موقعیت و فضای خلاق ایجاد می‌شود، فرد احساس می‌کند که می‌تواند کار مفیدی انجام دهد.

۲. **اطلاعات:** شهر خلاق کانال‌ها و منابع اطلاعاتی به وجود می‌آورد که با اطلاعاتی که دولت و شرکت‌ها ارائه می‌نمایند، رقابت نموده و آنها را تکمیل می‌کند. این اطلاعات سبب توانمندی شهروندان شده و نهادهای دولتی را ملزم به شفافیت و پاسخگویی در قبال عموم خواهد کرد.

۳. **مهارت‌های سیاسی:** شهر خلاق مهارت‌های سخنرانی، خود نمایندگی، مذاکره و چانه زنی، تشکل ائتلاف‌ها، ایجاد راه‌حل‌های جدید برای مشکلات را ارتقا داده و به آموزش زمان و مکان مصالحه و سازش، تشخیص افراد متقلب، سازشکار و تهدیدکننده کمک می‌نماید.

۴. **فضیلت‌های فرهنگی:** شهر خلاق سبب می‌شود که افراد نسبت به خیر عمومی و عدالت توجه نشان داده و شکیبایی در برابر دیدگاه دیگران، مشارکت جویی، امانت داری، متانت، گوش فرادادن، پایبندی به قانون و احترام به حقوق دیگران را فراگیرند.

۵. **مهارت‌های نقّادی:** شهر خلاق سبب می‌شود که مردم مهارت‌های نقد، تحلیل و بررسی نظرات و دیدگاه‌های دیگران را بیاموزند.

۶. **ایجاد شالوده سیاست شهری «عرصه عمومی»:** این حوزه اطلاعات را مهیا، دستور جلسات را تنظیم، ایده‌ها را بررسی، امتیازات یا اختلافات را نشان داده و اعتراضات را فراهم می‌آورد که به آن «آثار عرصه عمومی» گویند. حوزه عمومی قلمرو صلاحیت و اختیارات عمومی است که به وسیله نهادهای شهری حمایت می‌شود. این حوزه از بازار و دولت متمایز است. یورگن هابرماس معتقد است که حوزه عمومی شبکه‌ای برای تبادل اطلاعات و نقطه نظرات است. جریان‌های اطلاعاتی - ارتباطاتی در طی یک فرایند پالایش و ترکیب می‌شوند و در نقطه‌ای به طور متمرکز و یکپارچه، دیدگاه‌های عمومی را منعکس می‌نماید.

در فلسفه سیاسی به طور کلی از زمان ارسطو به بعد شهرنشینی به مفهوم جامعه سیاسی یا دولت به کار می‌رفت. دولت شهر یونانی شهرهای بزرگ و از دیدگاه ارسطو دنباله طبیعی خانواده بود. در اندیشه سیاسی

مسیحی جامعه مدنی<sup>۳</sup> به عنوان حوزه قدرت غیردینی، از جامعه مذهبی<sup>۴</sup> به عنوان حوزه صلاحیت کلیسا تمیز داده می‌شد. تنها در قرن نوزدهم بود که با پیدایش دولت لیبرال تصور تجزیه بعد سیاسی شهر از بعد اجتماعی آن پدید آمد (بشریه، ۱۳۸۵ : ۳۴). تعاریف شهرنشینی پیش از رنسانس با تعاریف شهرنشینی پس از رنسانس متفاوت است، حتی تعاریف نیمه اول قرن بیستم با اواخر قرن بیستم آن را متفاوت از هم نشان می‌دهد.

### شهر خلاق و ملاحظات سیاستی و مدیریتی و اجرایی در افزایش رفاه شهروندی :

سیاست‌های موسوم به توسعه می‌توانند فرآیند کاهش یا افزایش پیوسته سطح زندگی را به همراه داشته باشند. با تفکیک مفهوم توسعه، دو مفهوم توسعه حاصل می‌شود که توسعه سرمایه، فرآیند انباشت و افزایش سرمایه را شامل می‌شود که می‌تواند به ارتقای سطح زندگی و مطلوبیت همگانی بینجامد یا نینجامد. توسعه مردم نیز معنای افزایش سطح ارضای نیازهای هر گروه اجتماعی بر اساس سلسله مراتب این نیازها را شامل می‌شود (مارک هنری، ۱۳۷۴ : ۹۶). این تفکیک می‌تواند بر جدایی‌گزینی طبقاتی دامن زند و تنها امکان زندگی مطلوب را برای قشر خاصی فراهم کند. بر این اساس به نظر می‌رسد باید سیاست‌های کلان در حوزه شهری مورد بازنگری قرار گیرد و امکان ارایه متناسب تسهیلات و خدمات شهری، برای همگان و در راستای توسعه پایدار فراهم گردد. این مهم جز از طریق تدقیق در سیاست‌ها و برنامه‌های کلان درون شهری میسر نمی‌شود که بایستی به تغییر نگرش در سیاست‌های شهری و جایگزینی روش‌های کارآمد در نظام برنامه-ریزی درون‌شهری بینجامد تا امکان زندگی مطلوب و افزایش رفاه شهروندی را بستر توسعه پایدار مبتنی بر توسعه انسانی و التفات بر سرمایه اجتماعی فراهم گرداند. در زیر به برخی از این سیاست‌های شهری اشاره می‌شود:

- ۱- مبادله اطلاعات توسعه پایدار و همکاری در مطالعات مقایسه‌ای
- ۲- مشارکت نهادهای شهری با نهادهای عمومی و خلاق شهروندی
- ۳- آموزش و اطلاع‌رسانی و تعلیم و تربیت همگانی جهت تقویت خلاقیت
- ۴- جایگزینی در نظام برنامه‌ریزی از بالا به پایین بر اساس شایستگی

---

<sup>۳</sup>.Societas Civium

<sup>۴</sup>. Societas Fidelium

## ابزار و ویژگی‌های توسعه سیاسی شهرها:

### دموکراسی:

در شهر خلاق باید شرایطی فراهم شود تا بین مدیریت شهری به عنوان عامل ایجاد نظم‌دهی و حمایت از ایده‌ها برای اجرا در شهر یا ابزارهایی که در اختیار دارد و مردم جامعه به عنوان متولیان خلاقیت تعادل برقرار شود و این تعادل دینامیک و پویا باشد که هیچ یک از دو طرف نتوانند دیگری را حذف، یا بر یکدیگر غلبه داشته باشند. یعنی اگر مدیریت شهری از صحنه حذف شود، شهر دچار آنارشسیسم خواهد شد.

از سوی دیگر می‌توان شهر خلاق و دموکراسی را مکمل یکدیگر دانست و اگر چنانچه دموکراسی را پیش از هر چیز به عنوان یک شیوه حکومتی قلمداد کنیم که در آن عملکرد حاکمان زیر کنترل و نظارت مردم قرار داشته باشد و در واقع دولت در مقابل مردم پاسخگو باشد.

لازم است اشاره‌ای به نظرات کارل کوهن<sup>۵</sup> در کتاب «دموکراسی» نمایم، کوهن در این کتاب در بحثی پیرامون «پشتیبانی از دموکراسی» شش دلیل مبنی بر پشتیبانی از دموکراسی عرضه می‌کند؛ این دلایل عبارتند از:

۱. دموکراسی و خط‌مشی فرزانه؛
۲. دموکراسی و عدالت توزیعی؛
۳. دموکراسی و حل آشتی‌جویانه جدال‌ها؛
۴. دموکراسی و وفاداری؛
۵. دموکراسی و ارتقای آزادی بیان؛
۶. دموکراسی و افزایش رشد فکری (کوهن، ۱۳۷۳ : ۵۵).

دلایل یاد شده از سوی کوهن با ارایه نقاط ضعف و قوت هر کدام، جلوه‌گر ساختن شایستگی‌های دموکراسی است. از این‌رو، وجود یک چنین شایستگی‌هایی در دموکراسی نمایانگر رابطه تنگاتنگ آن با زندگی شهری است و اهمیت و ضرورت دموکراسی را در تحقق شهر خلاق دو چندان می‌کند.

### مشارکت طبقه خلاق:

یکی از عوامل و ابزارهای مهم در تحقق خلاقیت سیاسی «مشارکت سیاسی» طبقه خلاق است. به طور کلی از زمان پیدایش اولین جامعه شورایی سومری تا پیدایش دولت شهرهای آتن و بعدها تحقق نظام‌های مردم

---

۱- Carl Cohen



سالار غربی، همواره مشارکت خواص مردم و روش دخالت آنان در امور عمومی مدنظر اندیشمندان و دولتمردان بوده است. چگونگی مشارکت آنها در نظام‌های مردم سالار از طرفی و از طرف دیگر محدود کردن آن در نظام‌های انحصار گرد و تمرکزگرا، بستری فراهم آورده است تا اندیشمندان از زوایای مختلف به طرح موضوع پرداخته و پیرامون قبض و بسط مشارکت مردم به تفکر و تأمل پردازند و راهکارهای متفاوتی برای چگونگی مشارکت این طبقه در امور شهر مطرح نمایند.

### توسعه سیاسی و شهروندان:

توسعه سیاسی و شهرنشینی از جمله موضوعات مهمی است که در سال‌های اخیر در جامعه ایران مطرح شده و مورد بررسی قرار گرفته است. از سوی دیگر ارتباط تنگاتنگ شهرنشینی و توسعه سیاسی به عنوان دو امر لازم و ملزوم چنان در یکدیگر تنیده شده‌اند که تبیین و بررسی هر کدام بدون در نظر گرفتن دیگری کاری بس مشکل است. از این رو، لازم است تا ابتدا به تعریفی از توسعه سیاسی پرداخته و سپس به ارتباط آن با زندگی شهری نگریست.

جیمز کلمن<sup>۶</sup> (۱۸۹۸-۱۸۳۰) از نظریه پردازان معروف در زمینه توسعه می‌گوید: توسعه سیاسی دستیابی به موقعیتی است که در آن، یک نظام سیاسی به جستجوی آگاهانه و موفقیت‌آمیز برای افزون شدن کیفی ظرفیت سیاسی خود، از طریق ایجاد نهادهای مؤثر و موفق پردازد» (اخوان، ۱۳۷۷: ۷۶). بنابراین با مرور شاخص‌های توسعه سیاسی این نکته به خوبی آشکار می‌گردد که خلاقیت از مفاهیم اصلی توسعه سیاسی می‌باشد. در واقع، همان گم شده‌ای است که عناصر تشکیل‌دهنده خلاقیت سیاسی در شهرها به آن نیاز دارند.

### شاخص‌های سیاسی تاثیرگذار بر شهر خلاق:

#### ۱- رسانه‌ها:

مطبوعات و رسانه‌ها یکی از رایج‌ترین و شاخص‌ترین محصولات نمایش خلاقیت در شهرها هستند. پیشرفت آن، آغاز قرن هفدهم، به توسعه تمدن غربی وابستگی تاریخی یافته ولی در نیمه دوم قرن نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم ویژگی‌های صنعتی بزرگ را به خود گرفته و مصرف آن، دستکم در کشورهای غربی در میان توده مردم فراگیر شده و به صورت نوعی عادت و رفتار اجتماعی در آمده است. در دنیای امروز مصرف روزنامه و استفاده از اینترنت، ضابطه‌ای بسیار گویا برای اندازه‌گیری میزان پیشرفت و توسعه هر شهری است.

---

۱- James Colman

یکی از اصول شناخته شده و مورد قبول تمامی کشورهای جهان، آزادی بیان و خلق اندیشه است که خداوند متعال به آن سوگند یاد می‌کند و اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸ میلادی) نیز در ماده ۱۹ آن را به عنوان یک حق جهانی برای بشر شناخته است. بر همین مبنا استقلال و آزادی در میان مطالب از جمله حقوقی است که قوانین اساسی بیشتر کشورهای جهان برای مطبوعات تضمین کرده است.

یکی از موارد الزامی و مورد نیاز شهرنشینی ارتباط انسان‌ها با یکدیگر و همچنین ارتباط آنها با سیستم مدیریت شهری یا به عبارتی دیگر ارتباط حوزه عمومی شهر و نیز بیان حقایق، تجربیات، یافته‌ها، آگاهی‌ها و نیز تبادل افکار و احساسات است. بنابراین، مطبوعات و دیگر رسانه‌ها نقش بسیار حساس و اساسی را در شهرها یا به عبارت دیگر در یک جامعه توسعه‌یافته سیاسی و خلاق ایفا می‌کنند. به رسمیت شناختن حق کسب اطلاع برای مردم، ایجاد روابط سالم به عنوان یک جریان فرهنگی خلاق و تقویت ایده‌های فرهنگی خوب، محورهای کلی و زمینه کار مطبوعات می‌باشد. اما رسانه‌ها چگونه می‌توانند در این زمینه‌ها نقش داشته باشند؟ مطبوعات مناسب‌ترین بستر و مجرای مبادله آراء و خلق اندیشه‌های نو هستند و از سوی دیگر ایجاد فضای عمومی و فراهم آوردن زمینه‌های سازماندهی و مشارکت در ابعاد مختلف بازسازی شهری از کارکردهای مطبوعاتی در شهرها است.

برقراری ارتباط بین حوزه عمومی و مدیریت شهری یا به عبارتی دیگر ارتباط دوسویه بین نخبگان نواندیش خلاق و مردم، باعث می‌شود از یک طرف نخبگان آراء مردم‌شان را نمایندگی بکنند و انتزاعی و بریده از واقعیت‌های اجتماعی اظهار نظر نکنند و از طرفی دیگر مردم بتوانند سطح فکر، خواسته‌ها و علایق‌شان را ارتقاء بدهند و آن را کیفی‌تر کنند. به این ترتیب رسانه‌ها می‌توانند فضای عمومی را به عرصه چند ذهنی تبدیل کنند، عرصه‌ای که ذهنیت‌های گوناگون در آن وجود دارند، بروز می‌کنند و با هم تعامل دارند. به این ترتیب از جامعه، فریب‌زدایی و خشونت‌زدایی می‌شود؛ چرا؟ برای اینکه امکان افشای فریب‌ها و خشونت‌ها وجود دارد. این امر در نهایت به عقلانی‌شدن سیاست و عقلانی کردن عملکرد دولت و بالاخره عقلایی کردن افکار عمومی از راه شناساندن و تفهیم واقعیت‌ها، تعامل، مورد سؤال قرار گرفتن و اجبار به پاسخ‌گویی و در واقع ارزیابی عملکردها کمک می‌کنند. بنابراین رسانه‌ها به عنوان یکی از پایه‌های اصلی شهرها به شمار می‌رود و نقش مهمی در خلاق بودن مدیریت شهری دارد.

## ۲- انجمن‌های صنفی:

انجمن‌های خودگردان صنفی، همچون نهادهای واسطه میان مدیریت و پیشه‌وران شهری، نقش مهمی را در رشد خلاقیت و دموکراسی در مغرب زمین ایفا کرده‌اند. گروهی از صاحب نظران شهری حضور اصناف

خودگردان در سده‌های میانه اروپا را نیروی محرکه رشد سرمایه‌داری و مردم‌سالاری بورژوازی دانسته و آن را از شرایط اساسی تحول از جامعه فئودالی به جامعه نوین صنعتی و تأسیس شهرهای خلاق خوانده‌اند. برخی از صاحب‌نظران شرقی نیز بر این باورند که فقدان اصناف خودگردان در شهرها از موانع رشد سرمایه‌داری صنعتی و شکوفایی شهری و پیدایش مردم‌سالاری بورژوازی در کشورهای اسلامی بوده است. در این که ده‌ها هزار صاحب حرف و پیشه‌ها در شهرهای خاورمیانه اسلامی در سده‌های میانه بر حسب نوع حرفه از یکدیگر متمایز می‌شدند و به این تمایز حرفه‌ای آگاهی می‌داشتند و از این لحاظ با همتای فرنگی خودشان شباهت پیدا می‌کردند، حرفی نیست. مسئله اساسی این است که آیا این گروه‌ها، نظیر گیلدهای اروپایی در سده‌های میانه دارای حقوق و تکالیف قانونی و رسمی و استقلال و خودسری و خودگردانی بوده‌اند یا این که بی بهره از استقلال و خودسری زیر سلطه حکومت‌های شهری قرار داشتند. اهمیت این تمایز از این جهت است که مفهوم خلاقیت شهری با مسئله استقلال یا وابستگی گروه‌های مختلف ارتباط نزدیک دارد. خلاقیت شهری هنگامی تحقق پیدا می‌کند که گروه‌های خودگردان همچون نهادهای واسطه میان حکومت و فرد توسعه یابند. بنابراین، اصناف شهری هنگامی به ابزار رشد خلاقیت تبدیل می‌شوند که هم به صورت نهاد ریشه‌دار اجتماع درآیند تا از گزند دست‌اندازی اربابان قدرت در امان بمانند و هم از استقلال و خود مختاری بهره‌ای داشته باشند تا بتوانند از منافع اعضای خود در برابر دیگران دفاع کنند. سازمان و تشکیلات در انجمن‌های صنفی به صور گوناگون شکل می‌گیرد و عمل می‌کند. در مواردی تشکیلات ساده و غیررسمی است و شالوده بر جایی ندارد، و در مواردی رسمیت می‌یابد و به صورت نهاد جا افتاده‌ای در می‌آید و از گزند حوادث در امان می‌ماند. انجمن‌های صنفی که در اروپای قرون وسطی پدید آمدند از مصادیق این نوع از گروه‌های اجتماعی بوده‌اند. اصناف غربی هنگامی برای همیاری و حمایت دسته‌جمعی از پیشه‌وران عضو صنف و نیل به هدف‌های دینی و حرفه‌ای پدید آمدند که در شهرهای قرون وسطایی اروپا، روابط همخوانی و خانوادگی در حال از هم پاشیدن بود. در چنین اوضاع و احوال، انجمن‌های صنفی به ابتکار اعضای هر صنف پدید آمد و در واقع گروه‌هایی که تا آن هنگام تنها هویت مشترک و روابط اجتماعی داشتند. آنها با قانونی کردن منافع صنفی و مبارزات سیاسی و اقتصادی دعاوی خویش را به کرسی می‌نشاندند تا بتوانند در برابر مدیریت راکد شهری ایستادگی کنند. با توجه به موارد فوق، انجمن‌های صنفی فقط هنگامی می‌توانند نقش اصلی خود را در خلاقیت شهری ایفا کنند و به عنوان بازار و نهادی قدرتمند در شهر درآیند که نخست به صورت رسمی و نهادینه شده در آیند و دوم اینکه استقلال خود را از تسلط و کنترل حفظ نمایند.

### ۳ - انجمن‌های مذهبی:

انجمن‌ها و نهادهای دینی مستقل امروزه به عنوان یکی از ابزارهای اصلی شهرها قلمداد می‌گردند و در حقیقت نقش واسطه میان حوزه خصوصی و مدیریت شهری را ایفا می‌کنند. بنابراین نهادهای دینی هنگامی می‌توانند به عنوان ابزارهای واسطه بین حوزه خصوصی و مدیریت شهری ایفای نقش کنند که دارای استقلال عمل و خلاقیت در حوزه خود باشند و خط و مرز بین اصول و موازین معنویت و جهان مادی مشخص شود. در واقع، تفکیک بین وظایف دین و دولت نقش مؤثری در ایجاد نهادهای مذهبی به عنوان ابزارهای واسطه بین حوزه خصوصی و دولت ایفای نقش کنند که دارای استقلال عمل در حوزه خود باشند و خط و مرز بین اصول و موازین معنویت و جهان مادی مشخص شود.

#### ۴- انجمن‌های فرهنگی:

انجمن‌های فرهنگی مانند انجمن‌های صنفی و مذهبی، نقش ارزنده‌ای را در تشکیل و تکوین خلاقیت شهری ایفا می‌کنند. علاقه و گرایش انسان به امور فرهنگی و هنری و نمایش آنها، توسعه و پیشرفت هرچه بیشتر این امور در اواخر قرن بیستم و آستانه قرن بیست‌ویکم ضرورت ایجاد تشکلهایی را در این زمینه‌ها دو صد چندان نموده و باعث گردیده تا انسان‌ها علایق و خواسته‌های خویش را در چهارچوب این تشکلهای متبلور گردانند. فعالیت جمعی کسانی که در حوزه فرهنگ و هنر به خلق کتاب، فیلم، موسیقی، عکس، و نقاشی می‌پردازند با شرکت فعال خویش در انجمن‌های خودگردان، راه را برای فعالیت و گسترش خلاقیت در سطح شهر هموار نموده و از طریق خلق صحنه‌های جالب و جذاب فرهنگ و هنر شرایطی عینی و ذهنی را برای شهر خلاق فراهم می‌کند. امروزه یک فیلم‌ساز بدیع و خلاق از طریق خلق یک فیلم قادر خواهد بود تا انسان‌ها را با اندیشه تسامح، تساهل و یکپارچگی فرهنگی آشنا سازد. چه بسا همان فیلم با سبک و سیاقی دیگر می‌تواند مروج اندیشه‌های تک‌بعدی در جامعه باشد. در حقیقت انجمن‌های فرهنگی مادام که بنیانگذاران و گردانندگان آن پیش‌داوری‌های خاص درون‌گروهی نداشته باشند می‌توانند از طریق جذب گروه‌های مختلف مردم به عرصه‌های فرهنگی و هنری آنها را به ایجاد و تشکل خلاقیت ترغیب و تشویق کنند. به طور مثال این نهادها از طریق حفظ و نمایش میراث فرهنگی ناملموس، شب شعر، داستان‌سرایی، تأثر، نمایشگاه‌های عکس و نقاشی می‌توانند انسان‌ها را با حقوق فردی و جمعی خویش آشنا سازند و به دیگران توصیه نمایند. گروه‌ها و نهادهای فرهنگی خودگران نه تنها حافظ منافع گروهی خویش هستند بلکه از یکدیگر نیز پشتیبانی کرده و امکانات دیگر بخش‌ها را نیز به سوی خود جلب می‌کند و در مجموع خلاقیت شهری را از رکود و یا دخالت گروهی خاص محافظت می‌نمایند. بنابراین اگر قرار است آثار فرهنگ‌ساز یا تمدن‌ساز و جاودانی خلق شود دیگر در دوران معاصر نمی‌توان این امور را بر دوش افراد غیر خلاق گذاشت.

چنانچه وجود افراد حتی با درجه بالایی از خلاقیت فرهنگی و هنری بدون ایجاد نهادهای تشکل یافته تحت حمایت مدیریت شهری قادر نخواهد بود.

بنابراین، وجود یک چنین انجمن‌هایی زمینه‌های مناسب‌تری را برای به فعلیت درآمدن نیروهای بالقوه فرهنگی و هنری ایجاد می‌کند. یکی از موارد با اهمیت درباره نهادهای فرهنگی و هنری، استقلال و خودگردانی آنها از سیطره شهرداری‌ها است. هر چقدر دخالت در این امور افزایش یابد از نقش و کارکرد اصلی این انجمن‌ها کاسته خواهد شد و آنها را به صورت یک کالبد بی‌روح درخواهد آورد که به جای حفظ حریم عرصه عمومی، به بنگاه‌های تبلیغاتی برای اقتدار مدیریت شهری در خواهد آمد و این در درازمدت، برای این نهادهایی که می‌روند تا جایگاه اصلی خویش را در ایجاد و تثبیت شهر خلاق باز کنند، بسیار نگران‌کننده است. دخالت در نهادها و انجمن‌های فرهنگی و هنری که سلب استقلال از آنها را نیز به همراه دارد، باعث می‌شود تا با سلب انگیزه از افرادی که در این زمینه‌ها به فعالیت مشغولند، آنها را یا به انزوا و کناره‌جویی از فعالیت‌های گسترده فرهنگی کشانده، یا در مسیر سودجویی، منفعت طلبی و فرصت طلبی سوق می‌دهد.

##### ۵- آداب، رسوم، سنن و جشن‌های ملی:

آداب، رسوم و سنن در شهرها نقش دو گانه را ایفا می‌کنند. از سویی می‌توانند خود به عنوان تقویت‌کننده نهادها و مدیریت شهری باشند و از سوی دیگر تضعیف‌کننده آنها. اگر احترام و رعایت قانون در جامعه شهری را ناشی از الزام و اجبار آن بدانیم، احترام و رعایت آداب و رسوم صرفاً به خاطر ریشه‌های تاریخی، جایگاه، منزلت و نیز تقدس خاصی است که در جامعه دارد. از آنجا که اکثریت مردم را عوام تشکیل می‌دهند و عمده تفاوت‌شان با غیر عوام در شیوه رفتار آنها تبلور یافته است، زمانی به ارزش‌های شهرنشینی و دوام و اصالت آن می‌توانند پی ببرند که این ارزش‌ها به صورت آداب و سنن در آمده باشند. زبان و سنت و آداب و مناسک، زبان توده مردم و اکثریت عوام است و اگر به عنوان ابزاری کارآمد در جهت اعتلای همبستگی و وفاق ملی به کار گرفته شود، قطعاً نقش تعیین‌کننده‌ای در تحقق شهر خلاق ایفا خواهند کرد. در همین راستا انجمن‌های فرهنگی (ادبی، هنری و غیره) به نحوی نماینده میراث و داشته‌های هر شهر هستند. این انجمن‌ها آداب و رسوم پیشین را به نحوی ارادی در مجراهای اجتماعی می‌اندازند. افراد در این انجمن‌ها، آداب و رسوم را به زبان مقتضیات فعلی خود ترجمه می‌کنند. قرائت خود انگیخته و آزاد آداب و رسوم موجب می‌شود که هر جا تعارضی میان آنها و شرایط جدید وجود دارد، خود افراد آنها را دوباره قرائت کرده و بدون احساس اجبار بیرونی آنها را متحول سازند. تشکل‌های شهری همراه خود آداب و رسوم تازه‌ای

به میدان می‌آورند. این آداب و رسوم به علت تنوع زیاد شکل‌ها، دامنه عریضی پیدا می‌کنند و با جای گرفتن در میان آداب و رسوم پیشین که با جامعه سنتی انطباق داشته‌اند، ترکیب هندسی آنها را بر هم می‌زنند.

هر شکل شهری به نحوی خاص سالروز تأسیس خود را جشن می‌گیرد، از اعضای مؤثر خود قدردانی می‌کند، ترتیبات رسمی و غیر رسمی خاصی را در میان اعضای خود به جریان می‌اندازد، بخشی از اوقات فراغت اعضا را پر می‌کند، ایامی را مورد تذکر قرار می‌دهد و اعضای خود را به کارهایی تشویق می‌کند. مجموعه این موارد در شکل‌های مختلف در کلیت فرهنگ به صورت اجزای کوچک عمل کرده و بر این شاخص در کل جامعه رنگ و بوی خود را می‌زنند (محمدی، ۱۳۷۶ : ۲۲). تقدس‌گرایی از جمله موانع تحقق شهر خلاق به حساب می‌آید. قداست‌خواهی و قداست‌طلبی که اثر باقیمانده‌ای است از تفکر و آیین اسطوره‌ای، با خلاقیت افراد در تعارض است. بنابراین، اگر بر این باوریم که جشن‌ها و سوگواری‌ها، لازمه شهرها هستند، نه به عنوان یک امر مقدس بر شیوه تفکر ما قبل تاریخی، بلکه به عنوان عناصری است که می‌توانند شهرنشینان را از انعطاف و لطافت بیشتر نسبت به یکدیگر برخوردار نماید و از میزان سختی و پیچیدگی و فناوری کنونی و احتمالاً خشونت‌گرایی‌های ناشی از آن بکاهد. نکته قابل توجه دیگر اینکه، اینگونه جشن‌ها و مراسم سنتی، همواره از خلاقیت در نمایش به عموم برخوردار بوده‌اند.

#### ۶- عدالت شهروندی:

ارسطو معتقد است برقراری عدالت یعنی برابری‌ها را برابر جلوه‌دادن و نابرابری‌ها را نابرابر. پس یکی از ویژگی‌های اصلی در تحقق شهر خلاق عدالت است. ژان ژاک روسو می‌گوید: مردم تحمل بدبختی و تیره‌روزی را دارند ولی چیزی که تحمل آن را ندارند و آنها را به مرز انفجار و عصیان می‌کشاند، بی‌عدالتی است. یکی از مهمترین نمودارهای بی‌عدالتی تبعیض است. درجه‌بندی کردن شهروندان، پاداش‌ها و بر کشیدن‌های ناروا، و کنار گذاشتن یا حذف‌های غیرقابل توجیه، از وجوه آشکار تبعیض است.

شهری می‌تواند خود را متمدن و عادلانه بداند که امکانات و لوازم احترام افراد به خود و به یکدیگر را فراهم کند. از مظاهر اصلی بی‌عدالتی در یک شهر تزلزل احترام به خود است. مردم بیشتر شهرها، مخصوصاً شهرهایی که علاقه به عدالت با نظام معنوی و اخلاقی آنها پیوند نزدیک دارد، ممکن است خفقان و ستمگری را تحمل کنند ولی بی‌عدالتی، فساد و دروغ دست‌اندرکاران مدیران شهری را به آسانی تحمل نمی‌کنند. اگر حکومتگران مدعی فضیلت و پاکدامنی باشند ولی ناسازگاری کردار آنها با ادعاهای شان خیلی آشکار باشد آینده پرخطری را باید در انتظار داشت. شهری که مدعی رعایت و گسترش اخلاق است اگر نتواند اعتقاد

مردم را به فضیلت‌ها و اخلاق‌مداری سرآمد آن جلب کند، به گسترش دروغ، تزویر و دورویی کمک می‌کند و پایه‌های اخلاق و شخصیت را در جامعه می‌پوساند. شهر خلاق امروزه فقط شهری نیست که افراد آن حق رأی و آزادی بیان دارند، بلکه شهری است که شهروندان آن از حیثیت و حرمت و احترام بهره‌مندند و حق برخورداری از کار و دستمزد مناسب و حق بهره‌مندی از امکانات رفاهی، به ویژه بهداشت و آموزش متناسب و اغلب رایگان را نیز دارند. اقشار تهیدست، سالمندان، زنان، کودکان و اقلیت‌ها در این شهر از امکانات مادی و معنوی و عاطفی مناسب و خاصی بهره‌مندند. شهر خلاق همچنین نمی‌تواند موجبات بهره‌مندی از امکانات را محدود به شهروندان خود کند و مثلاً بیگانگان، پناه جویان و پناهندگان را محروم نماید. پس شهر خلاق مبتنی بر عدالت است. شهری است که امکانات نهادین گسترش عدالت را فراهم کرده است. برخورداری مساوی و یکسان افراد شهر از کلیه حقوق اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و عدم هر گونه تبعیض و نابرابر استفاده بهینه از شرایط، جوهره و فلسفه وجودی شهر خلاق را تشکیل می‌دهد. و این مبتنی بر وجود عدالت در زندگی شهرنشینی است. عدالت بر شاخص‌هایی مثل خلاق بودن، تخصص، تحصیلات، کارآمدی، کارآیی و مانند آنها تکیه دارد. عدالت مبتنی بر شایستگی می‌تواند میان افراد پیوند اجتماعی و اخلاقی ایجاد کند.

## ۷- تساهل<sup>۷</sup>:

تساهل یکی از ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی شهر خلاق به شمار می‌رود. و شهرهایی که در مسیر تساهل و عدم خشونت حرکت می‌کنند زمینه و فضای لازم را برای مشارکت سیاسی و همزیستی مسالمت آمیز فراهم می‌کنند. پیش‌فرض‌هایی که روحیه تساهل و مدارا بر آن استوار است، عبارتند از:

(۱) آنچه من دارم لزوماً بطور کامل و مطلق خوب نیست؛

(۲) آنچه دیگری دارد لزوماً نه با جدال که با جدل می‌تواند به بحث گذاشته شود. اما افسوس که به قول برتراند راسل: «ما انسان‌ها گاهی چنان در حقانیت یافته‌های خویش پافشاری می‌کنیم که برای مان در هم کوبیدن آنچه در نزد طرف مقابل بد تشخیص می‌دهیم، اهمیّتش بیش از بقای نسل بشر است» (عنایت، ۱۳۶۳: ۱۵۴).

ولتر که از پیشگامان اندیشه تساهل در غرب محسوب می‌شود، می‌گوید: «مدارا که متعصبان دینی به خود جرأت می‌دهند آن را اشتباهی خطرناک و تقاضائی زشت بنامند، ضمیمه عقل به حساب می‌آید. مدارا یک

---

۱-Toleration

فرض خاص فلسفی نیست، بلکه بیان یک اصل است. مدارا جزء ذات فلسفه است و خویشاوندی دین و فلسفه را نشان می‌دهد

(کاسیر، ۱۳۷۷ : ۸۷). تساهل (مدارا) به معنای وسیع کلمه عبارت از این است که هیچ کس را به خاطر عقایدش (مادام که آن عقاید منشأ عامل جنائی نگردیده) تنبیه نکنند. تساهل از آن جهت می‌تواند به عنوان یکی از ویژگی‌های مهم در تحقق شهر خلاق به شمار می‌رود که پیوندی تنگاتنگ با آزادی سیاسی دارد. به طوریکه راسل بین تساهل و آزادی سیاسی پیوند می‌زند و معتقد است: «آنجا که تعصب باشد، آزادی نیست و آنجا که آزادی نباشد، تساهل وجود ندارد. مدارا وقتی وجود دارد که آزادی رسانه و آزادی عقیده و آزادی تبلیغات وجود داشته باشد. همچنین انسان آزادی داشته باشد هر چه را دوست دارد بخواند و ...» (راسل، ۱۳۷۶ : ۷۶).

## ۸- خردورزی<sup>۱</sup>

یکی از بنیادهای اساسی و سازنده در نضج و ارتقاء اندیشه شهر خلاق که راه را برای مرحله پراگماتیک آن هموار می‌سازد، خرد و خردورزی است. اگر شهری بخواهد توسعه یابد و از آن بالاتر تمدن‌سازی نماید و حاکمیت قانون در اشکال مختلف را بر آن مستولی سازد، چاره‌ای ندارد جز آن که به عقل خرد متوسل شود. از دیدگاه جامعه‌شناسی شهری، تمایز میان جوامع سنتی و جوامع متمدن مسلما در این هست که در جوامع متمدن خردورزی از اهمیت بیشتری برخوردار است. اما اینکه برخی تصور می‌کنند که خردورزی از خصوصیات ذاتی جوامع مدرن است شاید تا اندازه‌ای اغراق کرده‌ایم. از سوی دیگر اگر بپذیریم، خردورزی از عناصر و ویژگی‌های ذهنی و فرهنگی شهرها به حساب می‌آید، منظور خرد خود بنیاد نقاد است. یعنی خردی که اولاً حجبیت و اعتبار مدعایش قائم به خود عقل است، نه به چیزی خارج از آن، و ثانیاً نقاد و پرسشگر است. بنابراین عقل و خردی که راهگشای تمدن نوین است، در زمره عقل جدید، یعنی عقل متصرف است که عقلی است جدید، نه عقل قدیم و مفسر.

از زمانی که آدم بر زمین هبوط نمود و یا به زبان افلاطون، از زمانی که آدمیان از رهبری و مراقبت خدایان بی‌نصیب ماندند و ناچار شده بودند که خود رهبری خود را به عهده گیرند، آدمی از طریق ایجاد نهادها و یا ساختن ابزارهایی گذران عمر نموده است. اما باید به یادداشت که هیچ یک از این اقدامات بدون خردورزی امکان‌پذیر نبوده است. بدین ترتیب، خردورزی یک رهیافت است. یعنی خردورزی یک منظر است که از آن

---

۱- Rationalism



به جهان سیاست نگاه می‌شود. خردورزی یک هدف نیست، بلکه ابزارمندان به تحلیل استدلالی مشکلات و مسائل کمک می‌کند. رویکردی است به مسائل و مشکلاتی که نیاز به حل و فصل دارند. خردورزی به خدمت گرفتن عقل سلیم است (رجائی، ۱۳۷۳ : ۵۴).

کلام آخر اینکه خردورزی و توسل به عقل در امور، توسط حوزه خصوصی شهروندی با ایجاد نهادها و اسباب‌های لازم یعنی وارد کردن اندیشه‌های مبتنی بر خرد در یک چارچوب نهادینه شده را برای یک تمدن هموار می‌سازد. و به عبارت دیگر خردورزی زمینه عینی را برای ایجاد و همچنین ثبات شهرها فراهم می‌کند. شهر خلاق پدیده عصر مدرنیسم و عقل باوری است؛ شهر خلاق ذاتاً دستاورد دنیای مدرن است زیرا در دنیای مدرن، خلاقیت، نه تنها یک ضرورت، بلکه یک واقعیت است.

### **توسعه سیاسی و مناسبات شهرها:**

در ابتدای قرن بیستم مناسبات سیاسی در ارتباط تنگاتنگ با مناسبات اقتصادی بود و شهرداریها به واسطه توان اقتصادی بالا امکان مداخله در همه امور پیدا می‌کردند.

### **شهرها و توسعه سیاسی:**

#### **الف) وجود رقابت نهادینه شده**

به معنای فراهم بودن زمینه‌های تعامل و تقابل افکار و عملکردهای افراد، گروه‌ها و حتی ایدئولوژی‌های گوناگون. برای اینکار باید ساختار حقوقی رقابت، نهادینه باشد و اجازه رقابت سیاسی را بدهد.

#### **ب) تحقق مشارکت**

به معنای جواز دخالت افراد و گروه‌های اجتماعی در تصمیم‌گیری‌های شهری و امکان تاثیرگذاری آنها بر نظام شهروندی و سیاستگذاری‌های آن.

#### **ج) امکان تحرک اجتماعی**

تحرک اجتماعی، در واقع محصول رقابت نهادینه و مشارکت در جامعه توسعه‌یافته از نظر سیاسی است. تحرک اجتماعی اگرچه نهایتاً باعث ایجاد روند گردش نخبگان می‌گردد، اما اساساً به معنای امکان دستیابی افراد متعلق به لایه‌ها و اقشار اجتماعی پایین به مراتب بالاتر سیاسی و اجتماعی براساس شایستگی‌های خود آنان می‌باشد (اخوان، ۱۳۸۲ : ۸۷). خلاقیت ذاتا و بالقوه در بطن جامعه و طبقه خلاق موجودیت دارد منتها مساله اساسی این است که این موجودیت گاهی از سوی مدیریت شهری شناخته می‌شود و گاهی وجود آن نادیده گرفته شده و یا تضعیف و سرکوب می‌گردد. تنها در صورت به رسمیت شناخته شدن طبقه

خلاق و تقویت آن از سوی مدیریت شهری است که زمینه لازم برای توسعه همه جانبه شهرها فراهم می‌آید (ضرابی، ۱۳۹۲: ۱۰۶).

## ۷- حکمرانی خوب و ابعاد شهر خلاق در تهران

بنا به نتایج مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۰، تهران کلان شهری است با جمعیتی بیش از ۸ میلیون نفر و امکانات وسیع در کشور پهناور و کهن ایران که از دیرباز دارای جایگاه مهمی در منطقه و حتی جهان بوده است. از این رو، لازم است پایتخت ایران اسلامی دارای موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی والایی باشد. به ویژه اینکه ایران در شاهراه سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا قرار دارد، برای رساندن تهران به جایگاه بین‌المللی مطلوب خود، لازم است اقدامات و برنامه‌ریزی خاصی توسط حاکمیت شهری انجام گیرد. غیر از توسعه بسترهای دانش (دانشگاه‌ها، موسسات فرهنگی و غیره)، صنعت خلاق و به ویژه صنایع با فناوری برتر، بسترهای اجتماعی و فرهنگی چون تنوع اجتماعی، مطلوبیت محل زندگی، کیفیت زندگی و برابری اجتماعی و امنیت سیاسی جایگاه مهمی در این شهر به خود اختصاص داده‌اند. سنگ زیربنای خلاقیت، مشارکت طبقه خلاق است. این مشارکت هم مستقیم است و هم از طریق نهادهای شهری ایجاد می‌شود. مشارکت مستقیم اهمیت زیادی دارد زیرا خلاقیت بدون امکان عرضه آسیب‌پذیر است. بنابراین خلاقیت هم باید سازمان یافته باشد هم غیررسمی، ایده اصلی خلاقیت سیاسی این است که به شهروندان نقش معنی‌داری در تصمیماتی که بر آنها تأثیر می‌گذارد، داده شود همچنین خلاقیت سیاسی مستقیم در آزادی اجتماعات، سخنرانی‌ها، مراسمات و جشن‌های سازمان یافته تبلور می‌یابد. در حکمرانی خوب شهر تهران، مردم باید در تصمیماتی که به زندگی آنها مربوط می‌شود، سهیم باشند. بدین ترتیب، به عنوان یک شهروند با حقوق و جایگاه مشخص در مراسمات و فضاهای خلاق شرکت کنند، و مفهوم خلاقیت شهری از ورای حوزه عرفی شهرنشینی به تمام نهادها گسترش یابد.

از جمله مهمترین پتانسیل‌های دیگر این شهر، وجود زمینه منابع مالی پایدار می‌باشد. طرح‌های توسعه شهری تهران نیز در مراحل مطالعاتی خود، تا حدودی موارد یاد شده را مورد بررسی قرار داده‌اند؛ اما توجه ویژه به استفاده از پتانسیل‌های بالا، در جهت تحقق توسعه اقتصادی و تحریک توسعه دیگر بخش‌ها بدین- وسیله، در جهت تسریع و تسهیل حرکت به سوی توسعه پایدار شهری، صورت نپذیرفته است.

اجرای استراتژی توسعه شهری و حکمرانی خوب شهری در شهر تهران نیازمند شرایط سیاسی و اجتماعی خاصی است. وجود این شرایط موجب موفقیت طرح و نبود آنها منجر به ناکارآمدی فرایند در حصول اهداف

تعیین شده می‌شود. با توجه به اهمیت دو مؤلفه مشارکت فراگیر جامعه ذینفع در تدوین چشم‌انداز و منابع مالی در اجرای طرح شرایط را باید در رابطه با این مؤلفه‌ها جستجو کرد. مشارکت مستلزم سازوکار پذیرش آن توسط سیستم اداری سیاسی شهر و توان جامعه برای مشارکت فراگیر بر اساس احساس مسئولیت و تعلق به شهر است. توان شهرداری یا تشکیلات مدیریتی اجرای فرایند برای تأمین هزینه‌های اجرای برنامه‌های تعیین شده برای دستیابی به اهداف و تحقق چشم‌انداز شهر خلاق نیز نیازمند کمک‌های دولت، مشارکت طبقه خلاق با مردم در تأمین هزینه‌های اداره شهر و کارآمدی هزینه و درآمد امور مرتبط با خلاقیت در شهر است.

### ضرورت وجه فرهنگی شهر خلاق در شهر تهران

تهران کلان شهری است دارای پتانسیل‌های فرهنگی بسیار، که می‌بایست اداره کننده جمعیت ساکن در خود باشد. در این راستا برای حاکمیت ضروری است که در مسائل مالی شهرداری‌ها کارشناسی دقیق نموده و در راستای خودکفایی واقعی گام بردارد. همچنین مجلس باید با یک دید باز و بدون در نظر گرفتن «یک شهر یک شورای خاص» قوانینی را تصویب نماید که بهبود وضعیت فرهنگ شهرها و شوراهای آن را در پی داشته باشد. آخرین نکته‌ای که در حکمرانی خوب شهری توجه به آن ضروری است مبحث نظارت بر پروژه‌های فرهنگی شهری است، برای حاکمیت شهری ضرورت است که نظارتی هر چه بیشتر بر سرمایه‌گذاری‌ها و پروژه‌های فرهنگی شهری اعمال نماید تا سرمایه‌گذاری در این عرصه با قوت و دقت بیشتری صورت پذیرد و سعی شود تا به هنرمندان، کارآفرینان و خلاقان فرهنگی فرصت و بستر لازم برای فعالیت داده شود. در نهایت پیشنهاد می‌گردد از آنجا که مشکل اصلی عدم مشارکت سرمایه‌گذاران در طرح‌های فرهنگی شهرداری تهران درون سازمانی بوده و از ساختار شهرداری نشأت می‌گیرد. برای ایجاد تحرک در عرصه سرمایه‌گذاری و جذب سرمایه‌گذاران در عرصه فرهنگ و تفریحات و اقتصاد خلاق لازم است اصلاحات درون سازمانی صورت گرفته و قانون جامع سرمایه‌گذاری که متضمن منافع چهارجانبه شورای شهر، شهرداری، سرمایه‌گذار فرهنگی و تفریحی و شهروندان باشد، تدوین شود. همچنین چنانچه هدف از حکمرانی خوب شهری، حرکت به سوی پایداری شهری باشد، طرح استراتژی توسعه شهری با رویکرد فرهنگی شهر خلاق به دلیل فراهم نمودن مبانی توسعه اقتصاد خلاق شهر تهران و از این رهگذر حفظ محیط زیست و توسعه اجتماعی بدلیل دارا بودن فرایندهای مشارکتی، می‌تواند مسیر همواری در جهت توسعه پایدار شهری تلقی گردد و بر همین اساس می‌توان از شاخص‌های فرهنگی شهرهای خلاق با توجه به تنوع فرهنگی موجود در کشور برای توسعه این راهبردها بهره جست.

در پایان هر نوع تلاش حاکمیت شهری تهران در زمینه برنامه‌ریزی فرهنگی شهرهای خلاق می‌باید وضعیت خود را در برابر این پرسش‌ها روشن کند:

کانون اصلی برنامه‌ریزی فرهنگی شهرهای خلاق در حکمرانی خوب شهری کدام است؟  
جایگاه حکمرانی خوب شهری در برنامه‌ریزی فرهنگی شهرهای خلاق و دامنه اثرگذاری آن کجا است؟  
مبانی و معیارهای سیاست‌ها و فعالیت‌های حکمرانی خوب شهری در شهرهای خلاق کدام است؟  
تخصیص منابع توسط حکمرانی خوب شهری در بخش فرهنگی شهرهای خلاق چه ضرورتی دارد؟  
مبانی نظری برنامه‌ریزی‌های فرهنگی شهرهای خلاق در شهر تهران کدام است؟

## منابع

- ابراهیمی، مهران (۱۳۸۷)، شهر خلاق مفاهیم، سیاست‌ها، مطالعه موردی از شهرهای موفق و ناموفق)، تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، فرهنگسرای نیاوران.
- اشتری، حسن، مهدنژاد، حافظ (۱۳۹۳)، شهر خلاق، طبقه خلاق، تهران: انتشارات تیسرا، چاپ دوم.
- افروغ، عماد (۱۳۸۵)، چالش‌های فرهنگی ایران، روزنامه اطلاعات، شماره ۲۳۷۳۲ پنجشنبه ۳۰ شهریور.
- اکرام جعفری، محمدجعفر و انصاری و صناعی پور (۱۳۷۸)، آسیب‌شناسی مدیریت، ماهنامه تدبیر، شماره ۹۰، انتشارات سازمان مدیریت صنعتی.
- حسین‌زاده دلیر، کریم، صدر موسوی، میرستار، حیدری چپانه، رحیم، رضاطبع، سیده خدیجه (۱۳۹۰)، درآمدی بر رویکرد جدید استراتژی توسعه شهری در فرآیند برنامه‌ریزی شهری با تاکید بر چالش‌های فراروی طرح‌های جامع در ایران، فصلنامه علمی پژوهشی فضای جغرافیایی، سال یازدهم، شماره ۳۶، زمستان ۱۳۹۰، صفحات ۱۷۳ تا ۲۱۰.
- ربانی، رسول و همکاران (۱۳۹۰)، بررسی نقش تنوع اجتماعی در ایجاد شهرهای خلاق و نوآور مورد مطالعه: شهر اصفهان، فصلنامه جغرافیا و توسعه، شماره ۲۱، صفحات ۱۵۹ تا ۱۷۹.
- رفعیان، مجتبی، شاهین‌راد، مهنوش (۱۳۸۸)، راهبرد توسعه شهر در جهت تحقق توسعه شهری با تاکید بر برنامه راهبردی شهر کرمان، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره دوم شماره ۴.
- سیف‌الدینی، فرانک، پورشیخانی، زهرا (۱۳۸۶)، جغرافیا، شهر و برنامه‌ریزی شهری در بستر جهانی شدن، نشریه مسکن و انقلاب.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۵)، سرمایه اجتماعی و اقتصادی جهانی، ترجمه: محمد هاشمی، تهران: انتشارات سلام.
- قربانی، رسول، حسین آبادی، سعید، طورانی، علی (۱۳۹۲)، شهرهای خلاق، رویکردی فرهنگی در توسعه شهری، نشریه علمی پژوهشی مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، سال سوم، شماره یازدهم، صفحات ۱-۱۸.
- کلانتری، بهرنگ (۱۳۹۱)، فضای جمعی و شهر خلاق، منظر تابستان، شماره ۱۹، صفحات ۷۴ تا ۸۰.
- صالحی امیری، سید رضا (۱۳۸۸)، انسجام ملی و تنوع فرهنگی، قم، انتشارات کمیل.
- مویر، ریچارد (۱۳۹۰)، درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی، ترجمه: دره میرحیدر و سید یحیی صفوی، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

ضرابی، اصغر و مهری اذانی (۱۳۸۰)، توسعه پایدار در جهان صنعتی و در حال توسعه، تهران: مجله رشد آموزش جغرافیا، شماره ۵۹.

طباطبایی، سید جواد (۱۳۹۰)، دیباچه‌ای بر نظریه انحطاط ایران، تهران: نشر نگاه معاصر.  
مومنی، فریبا، والتر کنت ان (۱۳۸۸)، جهانی شدن و توسعه، فصلنامه اقتصاد سیاسی تحول همه‌جانبه، شماره ۲.

وبر، ماکس (۱۳۸۴)، اقتصاد و جامعه، ترجمه: مهرداد ترابی‌نژاد و دیگران، تهران: انتشارات سمت.

*Breakneck Richard, ۲۰۰۷, Elements of creative city development: Cities through networking.*

*Florida, R. (۲۰۰۲). The rise of the creative class—and how it is transforming leisure, community and everyday life. New York: Basic Books*

*Hall, Peter; Ulrich Pfeiffer, Urban Future ۲۱. E&FN Spon, ۲۰۱۰*

*HOWKINS JOHN, ۲۰۰۷, Enhancing creativity, India Seminar of Creative Cities.*

*Hospers ,G-J, R.van Dalm. (۲۰۰۵)."How to create a creative city? The viewpoints of Richard Florida and Jane Jacobs". Foresight. Vol. ۷Iss: ۴ .p ۱۰.*

*Landry&Bianchini , ۱۹۹۶, . "The Creative City" by Charles Landry and Franco Bianchini London,Comedia Pbc*

*Lerner Jaime ,۲۰۰۹, Every city can be a Creative city, Creative Cities PERSPECTIVES Summit,São Paulo Garimpo de Soluções & Creative City Productions, December ۲۰۰۹*

*Laughlin Fredric L & Andringa Robert C, (۲۰۱۲), "Good Governance for Nonprofits Developing Principles and Policies for an Effective Board", American Management Association.*

*McCANN EUGENE J, ۲۰۰۷, Inequality and Politics in the Creative City-Region: Questions of Livability and State Strategy, Volume ۳۱, ۱ March (۲۰۰۷) ۱۸۸-۹۶ International Journal of Urban and Regional Research*

*Pratt,A.(۲۰۰۸).Creative cities: the cultural industries and the creative class,Geografiska annar: Series B-Human geography, ۹۰(۲).p ۴.*

*Sasaki, M.(۲۰۰۸&۲۰۱۰), Developing Creative Cities Through Networking. Policy Science*

*Strickland Bill, 2009, , Creative Cities , Creative Cities PERSPECTIVES Summit, São Paulo Garimpo de Soluções & Creative City Productions, December' 2009*

*UNHabitat( 2009), <http://www.unhabitat.org/downloads/docs/GRHS> 2009 Abridged.p.f.*

*UNESCO.ORG, 2011, Creative cities network*

*Susan Parnell and Jenny Robinson ( 2007), "Development and Urban Policy: Johannesburg's City Development Strategy", Urban Studies, Vol. 42, No. 2*

*Toronto Municipality, ( 2011), "City Development Strategy", 2009-2011.*

*World Bank, A, ( 2011) Urban and Local Government Development Strategy, World Bank, Washington, DC.*